

معوقات بازنشستگان باید حداکثر با حقوق مرداد پرداخت شود

نایب‌رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس، با اعلام اینکه اجرای همسان سازی حقوق بازنشستگان و پرداخت معوقات آن همچنان در دستور پیگیری مجلس قرار دارد، گفت: در صورت پرداخت نشدن ماه‌به‌التفاوت حقوق با تیرماه، این مطالبات باید حداکثر همراه با حقوق مرداد پرداخت شود.

به گزارش ایلنا، علی جعفری آذر درباره اینکه همسان سازی حقوق بازنشستگان در تیرماه قرار بود رخ دهد در چه وضعیتی است، آیا ماه‌به‌التفاوت فرورددین و اردیبهشت با تیرماه پرداخت شد و آیا خواسته بازنشستگان درباره اضافه شدن مزایا که قطع شده‌است در حال پیگیری از سوی کمیسیون اجتماعی است یا خیر، گفت: چند موضوع در این زمینه وجود دارد، یکی اصل درخواست‌ها و مطالبات بازنشستگان عزیز تأمین اجتماعی است، دیگری موضوع سایر مزایا مانند حق اولاد، حق مسکن، تاهل و همچنین بحث متناسب سازی و معوقات است که در حال پیگیری هستند، او بابیان اینکه در فرورددین، اردیبهشت و خرداد، جلساتی درباره این درخواست‌ها و مطالبات بازنشستگان تأمین اجتماعی برگزار شد، اظهار داشت: هم در کمیسیون و هم در هیئت رئیسه ما جلساتی را برگزار کردیم و یک جلسه هم اوایل تیرماه با حضور وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی آقای میدری برگزار شد. در این جلسه، درباره سایر مزایا بحث شد که سازمان تأمین اجتماعی تقریباً این موضوع را نمی‌پذیرد و اعلام می‌کند که نه منابع لازم را دارد و نه تکلیف قانونی برای آن وجود دارد. البته گفته می‌شود که در گذشته این مزایا پرداخت می‌شد چون منابع آن وجود داشت، اما اکنون امکان پرداخت آن به دلیل نبود منابع لازم وجود ندارد.

رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای در پیامی به مناسبت حماسه عظیم بدرقه آقای شهید ایران و تبیین مسائل مهم کشور تصریح کردند:

ملت با اعتماد به مسئولان برای تضمین صیانت از منافع ایران اسلامی در میدان خواهد بود



رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای در پیامی با تشکر از ملت و تلاش‌های مراجع و نجبان، حماسه‌ی بی‌نظیر و تاریخی در رستاخیز بی‌سابقه‌ی بدرقه‌ی آقای شهید ایران را نصاب تازه‌ای از جلوه‌ی بعثت و اراده‌ی مستحکم هویت اسلامی-ایرانی برشمردند و با اشاره به نقض عهد‌های مکرّر شیطان بزرگ نسبت به تفاهم‌نامه امضا شده بین رئیس‌جمهوران ایران و امریکا، گفتند: اکنون که دشمن امریکایی به دنبال جنگ‌افروزی و تحمّل هزینه‌های سنگین تروبی آبروئی بیشتر است، بدانند که ملت عزیز ایران و جبهه‌ی مقاومت، «درسهای فراموش‌نشدنی برای اودارد که رشادت‌های رزمندگان اسلام و غیرت مردمان شجاع خطه‌ی جنوب‌دراین روزها نمونه‌هایی از آن را نشان داده‌است»

رهبر انقلاب همچنین بار دیگر با تأکید بر ضرورت حفظ انسجام اجتماعی و پرهیز از تفرقه، خاطرنشان کردند: ممکن است کسانی با اخلاص تمام و از سر خیرخواهی، انتقاداتی نسبت به عملکرد بعضی از مسئولین داشته باشند؛ این عزیزان که بعضی از ایشان از زمره ی پیشروان بصیرت هستند باید مراقب باشند تا این رویکرد:
اولاً ظلمی را بر بی‌گناهی روا ندارد که آن خود منشأ محرومیت از برکات و عنایات می‌گردد.
وثانیاً موجب شکست در وحدت و انسجام اجتماعی نگردد؛ که با حفظ این جهات، انتقادها موجب رونق و شکوفایی امور خواهد شد.

متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم
ملت عظیم الشان و شگفتی‌ساز ایران!
سلام و درود و سپاس بر شما که با حماسه‌ی بی‌نظیر و تاریخی خود در رستاخیز بی‌سابقه‌ی بدرقه‌ی آقای شهید ایران، نصاب تازه‌ای از جلوه‌ی بعثت و اراده‌ی مستحکم هویت اسلامی ـ ایرانی را در قدرشناسی، وفاداری، بصیرت، و ابراز محبت فوق‌العاده به زعمیم اقت اسلامی و رهبر شهید انقلاب ثابت کردید. گرمای دل‌های گداخته، چشمان اشکبار و عزم‌های استوار

جمعیت ده‌ها میلیونی و ده‌ها کیلومتری در تهران، قم، مشهد، و سایر شهرها و روستاها، دوستان ملت ایران و مردم آزاده‌ی جهان را به تحسین و دشمنان مستکبر ملت ایران را به حیرت و سرگردانی و خشم و وحشت انداخت.

همزمان با این حماسه، نقض عهد‌های مکرّر شیطان بزرگ نسبت به تفاهم‌نامه امضا شده بین رئیس‌جمهوران ایران و امریکا بار دیگر این حقیقت را به همگان ثابت کرد که امضای رئیس‌جمهور امریکا چقدر بی‌ارزش و نامعتبر است و زورگوئی، تمامیت خواهی و وحشی‌گری، اجزاء لاینفک مرام و مسلک آمریکایی می‌باشد. امروز شیطان بزرگ بار دیگر چهره‌ی واقعی و بدون نقاب خود را آشکار کرده تا این تجربه‌ی تاریک از جنایت و بدعهدی، سند محکم دیگری بر دروغگوئی، غیرمنطقی و غیرقابل اعتماد و پلید بودن امریکا باشد. اکنون که دشمن آمریکایی به دنبال جنگ‌افروزی و تحفّل هزینه‌های سنگین تروبی آبروئی بیشتر است، بدانند که ملت عزیز

ایران و جبهه‌ی مقاومت، درس‌های فراموش‌نشدنی برای او دارد که رشادت‌های رزمندگان اسلام و غیرت مردمان شجاع خطه‌ی جنوب در این روزها نمونه‌هایی از آن را نشان داده است.

لازم است به شما مردم باوفا و سرافراز ایران عرض شود که از جمله اصولی‌ترین امور در این برهه، اصرار بر وحدت کلمه و اتحاد مقدّس در همه‌ی سطوح مردم و مسئولان و در تمام عرصه‌ها برای تحقق آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی و تأمین عزّت و استقلال ایران عزیز خصوصاً در برابر دشمن جنایتکار و حيله‌گر امریکایی است. همانگونه که پیش از این مکرراً و مؤکداً تذکر داده شد، صیانت از وحدت و پرهیز از تفرقه و تنازع، اختلافات سیاسی و برجسته کردن تفاوت‌های اجتماعی و طلیفه‌ی همگانی است و البته نقش مسئولان و عناصر دلسوز و دلباخته‌ی انقلاب و امام و رهبر شهید در انسجام و یکپارچگی کشور، مهم‌تر و حساس‌تر است.

براین اساس ملت عزیز، با تداوم بر اعتماد به

مسئولان دلسوز در هر سه قوّه که تلاش ایشان برای رفاه و سعادت ملت، مشهود می‌باشد، همچنان برای تضمین صیانت از منافع ایران اسلامی، هوشیار و فعال در میدان خواهد بود. ممکن است کسانی با اخلاص تمام و از سر خیرخواهی، انتقاداتی نسبت به عملکرد بعضی از مسئولین داشته باشند. به نظر بنده، در عین اینکه این اهتمام و نگرانی ایشان برای نظام همچون اشخاص خودشان، سرمایه‌ی ارزشمندی به شمار می‌آید و فی نفسه امری مطلوب قلمداد می‌شود، این عزیزان که بعضی از ایشان از زمره‌ی پیشروان بصیرت هستند باید مراقب باشند تا این رویکرد، اولاً ظلمی را بر بی‌گناهی روا ندارد که آن خود منشأ محرومیت از برکات و عنایات می‌گردد؛ و ثانیاً موجب شکست در وحدت و انسجام اجتماعی نگردد؛ که با حفظ این جهات، انتقادها موجب رونق و شکوفایی امور خواهد شد. دشمن نباید هیچ علامت ضعفی و از جمله این ضعف را از ما دریافت کند؛ که هرگاه ما

این مراقبت‌ها را به طور کامل مراعات نماییم، او به ناچار رو به هزیمت خواهد گزارد.

بار دیگر از یکایک مردم عزیز که خود، صاحب‌عزای پدر شهید اُمت هستند و با وجود دشواری‌ها و برخی محدودیت‌ها و ناملایمات در رویداد عظیم بدرقه‌ی آقای شهید ایران، حماسه‌ای تاریخی خلق کردند صمیمانه قدردانی می‌کنم. همچنین از مراجع معرّز تقلید، علما، اندیشمندان و نجبان، فعالان فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و از اقدامات و تلاش‌های نهادهای کشوری و لشکری و نیز حضور مقامات و نمایندگان جبهه‌ی سرافراز مقاومت و نهضت‌های پرافتخار اسلامی تشکر می‌کنم. امید است همه‌ی کسانی که در این حماسه‌ی تاریخی به هر نحوی حضور و همراهی و همدلی داشته‌اند، مشمول عنایت و دعای خاص سرورمان عجل الله تعالی فرجه‌الشریف باشند.

سید مجتبی حسینی خامنه‌ای
۲۶ / تیر / ۱۴۰۵





اسقاط و نوسازی ناوگان



موضوع اسقاط خودرو
مدن و تجارت با جدیت
دستگاه خودرو معادل
ال اخیر، اسقاط خودرو
مقیمی با بیان اینکه
سقاط سالانه ۵۰۰ هزار
شده است، تصریح کرد:
لازم است مجموعه‌ای
ضروری فراهم می‌شد
هزار دستگاه در کشور

۱۴ هزار نفر در استان اصفهان بیمه قالی بافی ندارند



د بیرگروه اقتصاد

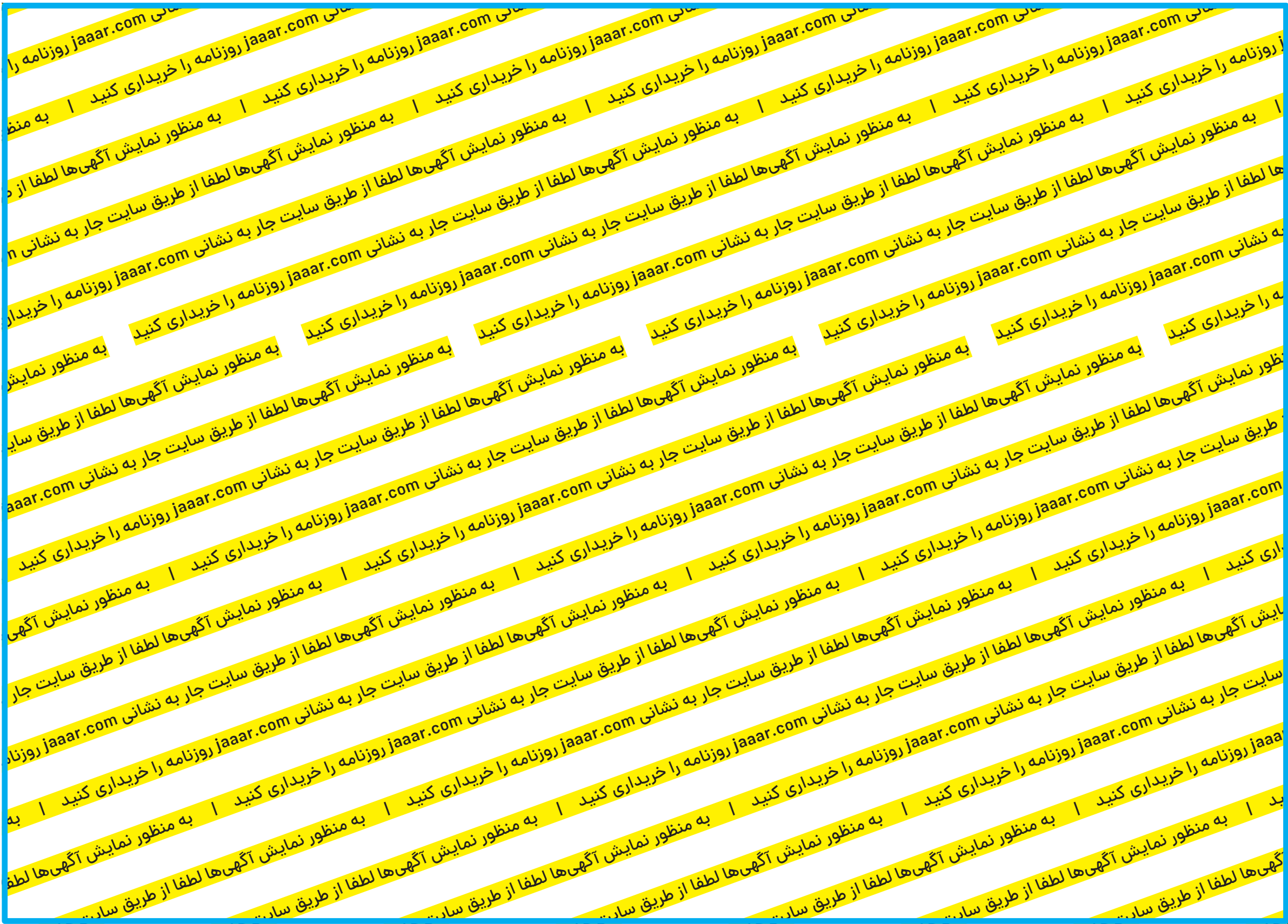
قطع بیمه قالی بافان همچنان می تواند بر صنعت فرش نیز اثر منفی بگذارد. وقتی بافنده احساس کند از سوی نهادهای مسئول حمایت نمی شود، نگرانی‌های هنری ادامه کار کاهش می یابد و ممکن است از این هنر اصیل به تدریج کمرش برداشته شود. بنابراین، رسیدگی به وضعیت بیمه قالی بافان و ایجاد ثبات در آن، اقدامی ضروری برای حمایت و قشر زحمت کش و حفظ این میراث ارزشمند است. نویسنده، زمینه مدیرعامل هیئت شرکت های تعاونی تولیدکنندگان فرش دست باف روستایی استان اصفهان با اشاره به وضعیت فعالان حوزه فرش دست باف گفت: در سراسر استان، شش تعاونیه صنفی و تعاونی فعال هستند و بالغ بر ۲۷۰ هزار خانوار عضو شکل های فرش بوده اند؛ از آنهایی که روزی قالی باف بودند و در قالی داشتند. به گفته علی شهبازی، از این تعداد، بالغ بر یک میلیون نفر جمعیت قالی باف در سراسر استان با کارد متعبر و عضویت در این شکل ها وجود داشته است؛ همچنین تعدادی از قالی بافان عضو این شکل ها نیستند و آماری از آنان در دسترس نیست.

بیکارند

او با بیان اینکه بیش از ۸۰ درصد فعالان حوزه فرش دستباف یکبار هستند، افزود: یکی از مباحثی که باعث رکود بازار فرش شده، نبود حمایت‌های رفاهی از بافندگان است که یکی از عوامل آن به موضوع بیمه بافندگان بازمی‌گردد. شهزادی ادامه داد: بیمه بافندگان از ابتدای آغاز شد، با استقبال خوبی همراه بود. در اسفهان حداکثر ۵۶ هزار نفر بیمه شده داشتیم؛ این تعداد سال به سال کاهش پیدا کرده است؛ بخشی از افراد از کار کناره‌گیری کرده‌اند و بخشی از بیمه‌زنانسته شده‌اند. او با اشاره به آخرین آمار تقریبی گفت: اکنون حدود ۱۴ هزار نفر بیمه‌ای باقی ندارند و متأسفانه روزبه‌روز شاهد کاهش این افراد هستیم. مدیرعامل اتحادیه شرکت‌های تعاونی تولیدکنندگان فرش دستباف روستایی اسفهان گفت: درباره کاهش آمار تأمین اجتماعی در این زمینه اظهار کرد: سازمان تأمین اجتماعی توجیه‌های دارد و اعلام می‌کند که اعتبار این بیمه باید از سوی دولت به تأمین اجتماعی پرداخت شود؛ در غیر این صورت سازمان می‌تواند این بیمه را بپردازد. شهزادی افزود: زمانی که تأمین بیمه بافندگان برای پرداخت حق بافندگی در آمان

[illegible]

کنون حدود
۱۱ هزار نفر بیمه
قالتی باقی ندارند
و متأسفانه
وزیر روز شاهد
نااهش این افراد
مستقیم



۷ هزار کودک کار تحت پوشش بهزیستی



رئیس سازمان بهزیستی کشور از تحت پوشش خدمات بهزیستی ۷ هزار کودک کار و خیابان خبر داد و گفت: این کودکان در ۹۰ مرکز ساماندهی می‌شوند که ۳۴ مرکز شبانه‌روزی و بقیه روزانه هستند.

سیدجواد حسینی افزود: سیاست ما در حوزه مراکز کودکان کار و خیابان، کوچک سازی و روزانه سازی است. او خاطرنشان کرد: سالانه حدود ۶ هزار ورودی به مراکز شبه خانواده داریم که ۵۰ درصد آنها به خانواده های زیستی خود بازپیوند پیدا می‌کنند. اولویت در حوزه کودکان است که به مؤسسات نزنند.

رئیس سازمان بهزیستی کشور گفت: ۱۸۰ هزار کودک در خانواده های زستی، بازپیوند شدند و ۲۵ هزار کودک، فرزند خوانده هستند. دستگاه قضایی به بهزیستی اختیار داده که مثلا اگر والدین کوکدی، سه ماه زندان هستند، این کودک در قالب طرح میزبان سه ماه وارد خانواده می‌شود.

حسینی با بیان اینکه در ساماندهی کودکان کار و خیابان، دستگاه قضایی رکن اصلی است، افزود: بارانه مراکز نگهداری شبانه‌روزی ۷۰ درصد افزایش یافته اما در راستای تقویت سیاست های خانواده محوری، حق پرستاری را ۹۰ درصدافزایش داده ایم.

او تصریح کرد: ۲۸۰۸۰ کودک بازمانده از تحصیل شناسایی شده که برای هریک از آنها ۲۵ میلیون تومان سرانه در نظر گرفته شده و امان آنها تا پایان سال باید به صفر برسد. حسینی افزود: دیگر کودک کار، مساله نیست اما اینطور نیست که کودک خیابانی نداریم، نباید کودک کار را فقط کودک خیابانی بدانیم؛ کودک کار در شرکت ها، کارگاه ها و معادن نیز هستند و ما به سراغشان می‌رویم، در حال حاضر به سمت رویکرد فعال و کودکان کار می‌رویم./ایرنا

■ ■ ■

سگ‌ها عامل ۸۰ درصد موارد «هاری»



رئیس اداره بیماری‌های زئونوز وزارت بهداشت با اعلام افزایش ۸۰ تا ۱۰ درصدی گربه‌گزیدگی در سال ۱۴۰۴، در عین حال با بیان اینکه سگ‌ها همچنان عامل ۸۰ درصد موارد ابتلا به هاری در کشور هستند، تاکید کرد که مردم باید هرگونه حیوان‌گزیدگی را یک اورژانس پزشکی تلقی کنند و سریعاً برای دریافت خدمات رایگان پیشگیری به مراکز خدماتی مراجعه کنند.

محمد زینلی اظهار کرد: اگرچه ابزارهای موثر برای تشخیص، پیشگیری و کنترل هاری وجود دارد، اما سالانه جان هزاران نفر را در سراسر جهان می‌گیرد. هاری، یک بیماری صد درصد کشنده است/ام‌قابلیت پیشگیری صد درصدی را دارد. هنگامی که فردی به هاری مبتلا شود و علائم بیماری بروز کند، هیچ کار خاصی نمی‌توان برای بیمار انجام داد و به طور قطع، فرد مبتلا به هاری جان خود را از دست می‌دهد.

او بیان اینکه ۲۲۹ واحد مراقبت و پیشگیری از هاری در کشور فعالیت می‌کنند، تصریح کرد: براساس تعداد جمعیت و مراکز پیشگیری از هاری، یک مرکز کنترل و پیشگیری از این بیماری به ازای هر ۱۲۰ تا ۱۳۰ هزار نفر داریم. این مراکز، خدمات مورد نیاز برای هرگونه گزشی را بر مبنای پروتکل ها و دستورالعمل‌ها ارائه می‌دهند. این خدمات شامل شست‌وشوی زخم در مرحله اول، سپس واکسیناسیون در صورت لزوم و در نهایت تزریق ایمونوگلوبین ضد هاری را انجام می‌دهند. این مراکز خدمات را رایگان ارائه می‌دهند.

رئیس اداره بیماری‌های زئونوز وزارت بهداشت درباره تعداد موارد حیوان‌گزیدگی توضیح داد: بر اساس گزارش‌های دریافتی از دانشگاه‌های علوم پزشکی، حدود ۴۴۰ هزار حیوان‌گزیدگی در سال ۱۴۰۳ داشته‌ایم که این تعداد در سال گذشته به ۴۴۵ هزار مورد رسید. براساس آخرین اطلاعات، تعداد موارد حیوان‌گزیدگی در سال جاری حدود ۱۴۰ تا ۱۵۰ هزار مورد است که ۵ نفر از این تعداد به هاری مبتلا شده‌اند.

زینلی با بیان اینکه سگ‌ها بیشترین تعداد حیوان‌گزیدگی را به خود اختصاص داده‌اند، گفت: گربه‌ها، جایگاه دوم تعداد موارد حیوان‌گزیدگی را از آن خود کرده‌اند. افزایش ۸ تا ۱۰ درصدی گربه‌گزیدگی در سال ۱۴۰۴ نسبت به ۱۴۰۳ را تجربه کرده‌ایم؛ البته هیچ مرگ به دلیل هاری ناشی از گربه‌گزیدگی در کشور نداریم.

او درباره عوامل ابتلا به هاری توضیح داد: سگ‌گزیدگی، عامل اصلی ابتلا به هاری در کشور به شمار می‌رود و عامل دیگر ابتلا به هاری وحوش مانند روباه و شغال است. به عبارت دیگر، سگ‌ها ۸۰ درصد علت ابتلا به هاری را به خود اختصاص داده‌اند و ۲۰ درصد دیگر در اختیار وحوش است. متأسفانه، تمام افرادی که به هاری مبتلا می‌شوند، جان خود را از دست می‌دهند./ایستا

معاون اجتماعی سازمان انتقال خون با تاکید بر وضعیت مطلوب ذخایر خونی، از تامین کامل خون مجروحان حوادث اخیر جنوب کشور خبر داد.
بایک یکتاپرست با اشاره به شرایط فعلی مراکز انتقال خون اظهار داشت: وضعیت ذخایر خونی کشور در حال حاضر در شرایط مطلوب قرار دارد و با پیش‌بینی‌های کمیته بحران سازمان انتقال خون، تدابیر لازم از پیش اندیشیده شده بود.

او تصریح کرد: بر این اساس از یک هفته قبل، دستورالعمل افزایش خون‌گیری به همه پایگاه‌های استانی در سراسر کشور ابلاغ شد و ذخایر خونی استان‌های جنوبی از طریق شبکه ملی خون‌رسانی افزایش یافت.

این مقام مسئول افزود: با توجه به اقدامات صورت گرفته، به هنگام حملات دشمن که منجر به مصدومیت هموطنانمان در جنوب کشور شد، آمادگی کامل داشتیم و هیچ‌گونه مشکلی در تامین خون و فرآورده‌های خونی برای مجروحان این حوادث وجود نداشته است.

یکتاپرست در ادامه به محدودیت‌های نگهداری خون پرداخت و توضیح داد: خون و فرآورده‌های خونی دارای تاریخ انقضای مشخصی هستند؛ به عنوان مثال، فرآورده‌ای مانند پلاکت تنها سه روز قابلیت مصرف و نگهداری دارد. او خاطرنشان کرد: از آنجایی که هر اهداکننده حداقل تا سه ماه بعد از هر اهدای خون، امکان اهدای مجدد را نخواهد داشت، روند جمع‌آوری خون باید

وضعیت ذخایر خون مطلوب است

به دقت مدیریت شود. او هشدار داد: مراجعه هیجانی افراد تحت تأثیر فراخوان‌های احساسی و خارج از نیاز سازمان، می‌تواند ما را در روزهای آینده برای مدیریت ذخایر خونی به ویژه برای فرآورده پلاکت با مشکل مواجه کند. معاون سازمان انتقال خون ضمن قدردانی از دغدغه‌مندی اصحاب رسانه و فعالان فضای مجازی گفت: از عزیزان خواهیم‌دندیم بدون هماهنگی با این سازمان، به انتشار فراخوان‌های دعوت به اهدای خون نپردازند. او تاکید کرد: در شرایط اضطراری و نیاز فوری به اهدای خون، مراتب از طریق اطلاعیه‌های رسمی سازمان انتقال خون ایران به آگاهی هموطنان خواهد رسید./ایرنا



غریبه‌های هم‌فکر!

چرا در اینستاگرام به دنبال «هم‌گروهی» می‌گردیم؟



و مجازی می‌گوید: «در گذشته، روابط عمدتاً بر پایه هم‌مکانی، هم‌خوشاوندی، هم‌محلی بودن یا هم‌دانشگاهی بودن استوار بود. روابط بیشتر چهره‌به‌چهره بود و ساختار اجتماعی و جغرافیایی نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. اما در حال حاضر، مبنای شکل‌گیری دوستی‌ها از «نزدیکی مکانی و جغرافیایی» به «نزدیکی معنایی و فرهنگی» منتقل شده است. افراد با علایق مشترک، فارغ از موقعیت جغرافیایی، می‌توانند گروه‌های دوستی تشکیل دهند.»

او با اشاره به ویژگی‌های این گروه‌ها می‌افزاید: «این گروه‌ها محصول نوعی فردگرایی شبکه‌ای هستند؛ افراد به جای وابستگی کامل به گروه‌های از پیش تعیین‌شده، در قالب شبکه‌ها هویت خود را شکل می‌دهند. همچنین این الگو به افرادی که دچار انزوا یا اجتماعی هستند کمک می‌کند تا با حفظ انزوای خود، در گروه‌ها احساس تعلق کنند. افراد ممکن است همزمان عضو گروه‌های مختلف باشند و در هر کدام، هویت اجتماعی متفاوتی را باز نمایند؛ این چندلایگی با الگوهای سنتی که روابط عمیق‌تر، محدودتر و پایدارتر بود، تفاوت دارد.»

■ **دموکراتیک شدن یا شکنندگی روابط؟**
در ادامه، عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات تعلیم و تربیت به بررسی میزان کیفیت و کارکرد این پیوندها می‌پردازد و می‌گوید: «کیفیت حضور اجتماعی در بین دوستی‌های سنتی نسبت به دوستی‌های مجازی بسیار بیشتر است؛ چون در روابط سنتی، مناسک ارتباطی



برخلاف گروه‌های

سنتی که بر پایه

«الزام اجتماعی»

هستند، گروه‌های

مجازی بر پایه

«اشتراک انتخابی»

بنا شده‌اند، به

همین دلیل، در

گروه‌های مجازی

امکان خروج سریع،

سکوت طولانی و

جابجایی مداوم

بین گروه‌ها بسیار

بیشتر است،

در حالی که در

گروه‌های سنتی،

افراد دست و بال

بسته‌تری دارند



اینکه پیوستار فرهنگی در مترو نشان می‌دهد چگونه تفاوت‌های فردی در دل یک نظم جمعی، همزیستی مسالمت‌آمیزی را تجربه می‌کنند، گفت: این فضا نه‌تنها محل گذر، بلکه عرصه‌ای برای مشاهده تکامل خرده‌فرهنگ‌ها و بازتولید ارزش‌های اجتماعی در جامعه معاصر است. در نهایت، تحلیل این پیوستار به ماکمک می‌کند تا یاد کرد عمیق‌تر از زیست روزمره، برای ارتقای کیفیت تعامل‌ها و انسجام بیشتر در فضای عمومی برنامه‌ریزی کنیم. روح‌الامین بیان کرد: در شهری



صفحه‌ان زیبا

شماره ۵۴۱۵

۲۸ / ۰۴ / ۱۴۰۵

یکشنبه

ویراستار و دبیر منبحه: لیلیا مقیمی

اخبار جامعه

آخرین وضعیت شیوع مصرف مواد مخدر در کشور

مدیرکل پیشگیری ستاد مبارزه با مواد مخدر با اعلام اینکه آخرین پیمایش رسمی، شیوع مصرف مواد در کشور را حدود ۴.۵ درصد برآورد کرده است. زهرا



عابدینی با اشاره به آخرین وضعیت شیوع مصرف مواد مخدر در کشور اظهار کرد: با توجه به ضرورت برخورداری از داده‌های دقیق و به‌روز، پیمایش ملی جدید شیوع‌شناسی اعتیاد به سفارش ستاد مبارزه با مواد مخدر در حال انجام است و نتایج آن پس از نهایی شدن، مبنای سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آینده قرار خواهد گرفت.

او افزود: مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد میزان شیوع مصرف مواد در میان دانش‌آموزان حدود ۱.۵ درصد است، در حالی که این میزان در میان دانشجویان بین ۲.۵ تا ۳.۷ درصد برآورد می‌شود. آمار مربوط به جامعه دانشجویی نیز بر اساس مطالعات و گزارش‌های ادواری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری استخراج شده و در دانشگاه‌ها و مناطق مختلف کشور متغیر است.

مدیرکل پیشگیری ستاد مبارزه با مواد مخدر با بیان اینکه بیشترین میزان مصرف مواد در کشور در گروه سنی ۲۴ تا ۳۵ سال قرار دارد، گفت: این آمارها نشان می‌دهد که باید برنامه‌های پیشگیرانه به‌ویژه در گروه‌های نوجوان و جوان با جدیت بیشتری دنبال شود و محیط‌های آموزشی و دانشگاهی به عنوان یکی از مهم‌ترین عرصه‌های اجرای برنامه‌های پیشگیری مورد توجه قرار گیرند.

عابدینی با تأکید بر اینکه سیاست‌گذاری مؤثر بدون آمار دقیق امکان‌پذیر نیست، تصریح کرد: نتایج پیمایش ملی جدید، تصویر روشن‌تری از وضعیت مصرف مواد در کشور ارائه خواهد کرد و زمینه طراحی برنامه‌های هدفمندتر و مبتنی بر شواهد علمی را برای دستگاه‌های مسئول فراهم می‌سازد. او خاطرنشان کرد: پایش مستمر وضعیت اعتیاد و رصد روند‌های مصرف مواد، یکی از الزامات برنامه‌ریزی علمی در حوزه پیشگیری است و ستاد مبارزه با مواد مخدر تلاش می‌کند با اتکا به داده‌های معتبر، سیاست‌های پیشگیرانه را متناسب با شرایط روز کشور تدوین و اجرا کند./ایرنا

■ ■ ■

ضرورت برخورد قاطع با زیرمیزی در حوزه درمان

عضو هیات رئیسه کمیسیون بهداشت مجلس تاکید کرد که برای برخورد با تخلفات مالی برخی پزشکان باید از ظرفیت‌های قانونی شامل تذکر و اخطار رسمی، ظرفیت‌های قانونی شامل تذکر و اخطار رسمی، جرایم بازدارنده و در صورت تکرار تخلف، لغو پروانه طبابت استفاده شود.



محمود طاهری با تأکید بر ضرورت مقابله جدی با پدیده زیرمیزی در حوزه درمان، گفت: برای برخورد با تخلفات مالی برخی پزشکان باید از ظرفیت‌های قانونی شامل تذکر و اخطار رسمی، جرایم بازدارنده و در صورت تکرار تخلف، لغو پروانه طبابت استفاده شود. نماینده مردم شبستر در مجلس شورای اسلامی با اشاره به بررسی موضوع زیرمیزی در نشست مشترک اعضای کمیسیون بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مجلس با حضور سیدسجاد رضوی، معاون درمان وزارت بهداشت، افزود: در این جلسه راهکارهای مقابله با این پدیده و نحوه صیانت از حقوق بیماران مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

او ادامه داد: دریافت مبالغ خارج از چارچوب‌های قانونی در حوزه درمان، موضوعی است که نیازمند برخورد جدی و اعمال قانون است و باید با استفاده از ظرفیت‌های نظارتی و قانونی، زمینه ارتقای شفافیت در نظام سلامت فراهم شود.

عضو هیات رئیسه کمیسیون بهداشت و درمان مجلس تصریح کرد: در برخورد با زیرمیزی باید از ابزارهای قانونی موجود استفاده شود؛ به این صورت که تذکر و اخطار رسمی، اعمال جرایم بازدارنده و در صورت تکرار تخلف، لغو پروانه طبابت در دستور کار قرار گیرد./خانه ملت



دوستی ماندگار کودکان با طبیعت با اثر جدید کانون

کتاب «طبیعت مال همه است»، نوشته کیقباد یزدانی، به همت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شد. این اثر در اصل یک کتاب کار آموزشی برای خانواده‌ها و معلمان و مربیان کودک به عنوان مخاطبان اصلی آن، برای پایه‌گذاری زمینه‌های آموزش پایدار زیست محیطی به‌شمار می‌رود.

نویسنده این اثر در قدم نخست، این کتاب را برای کار با کودکان پیش‌دبستانی و دبستانی در شش بخش تنظیم کرده و به موضوع‌هایی مانند طبیعت و تربیت طبیعی در دیدگاه‌ها و رویکردهای تربیتی، اهمیت و ضرورت کار آموزشی در طبیعت و مهدهای کودک و مدارس، روش‌ها و گونه‌های فعالیت در طبیعت و معرفی عناصر چهارگانه آب، باد، خاک و آتش پرداخته است.

هم چنین آشنا کردن کودکان با قانون‌مندی‌های طبیعت از راه تجربه فصل‌ها، ارائه تجربه‌های مفید به بچه‌ها در کارگاه طبیعت با انجام آزمایش‌های گوناگون و این‌که کودکان یاد بگیرند چرا و چگونه باید از محیط زیست خود مراقبت کنند، از جمله موضوع‌های این کتاب طبیعت‌محور است.

در این کتاب در عین حال متناسب با هر بخش و موضوع فعالیت‌ها، شعرها، بازی‌ها، بازی‌ها و آزمایش‌های گوناگونی هم پیشنهاد شده که می‌تواند برای ایجاد آماجگی ذهنی و حسی کودکان برای جهت ایجاد رابطه حسی با طبیعت به‌کار رود. در بخشی از این کتاب آمده است: طبیعت همواره الهام‌بخش دانشمندان بوده و بسیاری از نوپایی‌ها و نوآفرینی‌ها از طبیعت برگرفته شده است. طبیعت، نخستین مدرسه و بهترین استاد انسان است. آموزش همه جانبه و با همه حواس را برای کودک فراهم می‌کند و کودک در عمل، قانون‌مندی‌های طبیعت را می‌آموزد. طبیعت، یک موزه زنده و آینه‌ای است که کودک خود را در آن می‌یابد و جایگاه خود را در آن پیدا می‌کند و درمی‌یابد که خود نیز قسمتی از آن است. بیاییم کودکان مان را با طبیعت پیوندی دوباره دهیم و آن‌ها را به دامن مادر دیرین خود بازگردانیم.

کتاب «طبیعت مال همه است» نوشته کیقباد یزدانی و تصویرگری و طراحی گرافیک محمدعلی عدیلی در ۱۳۲ صفحه، با شمارگان ۲ هزار نسخه از سوی انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده است.

دفاع مقدس

ماجراهای یک رزیدنت زنان در دوران دفاع مقدس

کتاب «مورتالیتِه و جیغ سیاه» نوشته زویا طلوسیان، پزشک متخصص زنان و زایمان و داستان‌نویس، به تازگی از سوی انتشارات سورمه مهر منتشر و روانه بازار نشر شده است.

این اثر که بر پایه خاطرات و تجربه‌های شخصی نویسنده در دوران رزیدنتی نوشته شده، مخاطب را به فضای پرتنش بیمارستان‌های آموزشی و بخش زنان می‌برد؛ جایی که پزشکان جوان در کنار فراگیری دانش تخصصی، با مسئولیت‌های سنگین، فشارهای روحی، کشیک‌های طولانی و تصمیم‌های سرنوشت‌ساز روبرو می‌شوند. «مورتالیتِه و جیغ سیاه» اگرچه از دل خاطرات واقعی نویسنده شکل گرفته، در قالب یک روایت داستانی به نگارش درآمده است. شخصیت اصلی داستان «زویا» نام دارد که بازتابی از تجربه‌های نویسنده است و دیگر شخصیت‌های کتاب، هرچند در فضایی واقعی حضور دارند، زاییده تخیل نویسنده‌اند.

زویا طلوسیان در این کتاب تلاش کرده است تصویری نزدیک از زندگی رزیدنت‌های پزشکی، به ویژه دستیاران رشته زنان و زایمان، ارائه دهد؛ تصویری که در آن، اضطراب، نخستین تجربه‌های درمانی، مواجهه با بیماران، مسئولیت حفظ جان مادر و نوزاد و سختی‌های کار در بیمارستان‌های مناطق کم‌برخوردار، در کنار امید، پشتکار و انگیزه برای رسیدن به تخصص، به چشم می‌خورد.

در کنار روایت‌های پزشکی، کتاب بر مفاهیمی چون صبر، استقامت، مسئولیت‌پذیری و توکل نیز تأکید دارد و نشان می‌دهد رسیدن به اهداف بزرگ، بدون عبور از مسیرهای دشوار و تحمل سختی‌ها ممکن نیست.

عنوان کتاب نیز از اصطلاح مورتالیتِه (Mortality) که در ادبیات پزشکی به بررسی مرگ و میر و تحلیل پرونده‌های درمانی اشاره دارد، الهام گرفته شده و در کنار «جیغ سیاه»، به فضای دشوار و پرتالتهاب دوران آموزش پزشکی ارجاع می‌دهد.

مطالبه‌گری میراث سرمایه‌ساز یا سرمایه‌سوز؟

در مراسم رونمایی کتاب «راز نو» چه گذشت؟



سیده نرگس نظام‌الدین دبیر گروه هنر و ادبیات

کتاب «راز نو»، مجموعه هجده جستان درباره مساجد معاصر اصفهان، با حضور فعالان عرصه میراث و گردشگری، اهالی رسانه و مسئولان شهرداری در حوزه هنری اصفهان رونمایی شد. ■

علی عطریان در ابتدای این مراسم، با تأکید بر اینکه نگارش و تولید این کتاب ارتباطی با ارگان‌ها ندارد گفت: کتاب «راز نو» شامل هجده یادداشت و حاصل جمعی سی نفر از فرهیختگان شهر است. نقطه تمایز و قوت این کتاب دغدغه مشترک نویسندگان اثر است و آن را تبدیل به اثری ماندگار کرده است.

او به ذکر خاطره‌ای از تخریب یکی از مساجد معروف اما معاصر اصفهان پرداخت و بیان کرد: در سال ۱۴۰۱، با واقعه عجیب و تلخ تخریب مسجد کازرونی واقع در خیابان عباس‌آباد مواجه شدیم. هنگام بازدید از این مسجد، دریافتیم که هیئت‌امناعی مسجد به دلیل وسعت مالی و ارتباطاتی که داشتند، تصمیم به تخریب مسجد گرفته تا به قول خودشان مسجدی در شأن آن خیابان بسازند. به اعتقاد این افراد، یک مسجد خوب باید وزین و چندطبقه باشد و مسجد کازرونی شامل این ویژگی‌ها نبود. سرانجام، مجوزهای تخریب صادر شد تا مسجد دیگری به جایش ساخته شود. اما لشکریان مخفی شهر توانستند مسجد کازرونی را از تخریب نجات دهند. شب‌ها تعدادی از افراد کشیک می‌دادند تا نیمه‌شب مسجد تخریب نشود. در نهایت، با طی برهه حساس سه‌ماهه، مسجد کازرونی از تخریب حفظ شد. این یک فرایند خاص در شهر اصفهان بود و از دل یک جامعه برخاسته بود. در این فرایند، مردم یک جامعه از یک معماری ارزشمند حفاظت کردند.

■ **چرایی بی‌اهمیتی به معماری معاصر شهر**
عطریان افزود: مسجد کازرونی هشتاد سال قدمت دارد و این سن، آن را در دسته‌بندی آثار تاریخی قرار نمی‌دهد؛ چون آنچه میراث فرهنگی به آن اثر تاریخی اطلاق می‌کند، بنا یا چیزی است که تاریخی بر آن گذشته و ویژگی‌های خاصی داشته باشد. باین حال، این مسجدمقیاس جالبی در یک محله دارد. مسجد کازرونی در دوران خودش یکی از پیشروترین شبستان‌ها را دارد؛ چون اولین استفاده‌های تکنولوژیکال تیراهن در آن دیده می‌شود.

او با طرح این پرسش که چرا در اصفهان به بناهای معاصر توجه و اهمیت داده نمی‌شود، افزود: معماری‌های مطرح اصفهان فقط مربوط به دوران صفوی و سلجوقی و آل بویه نیست. امروز نیز معماری‌های معاصر باارزشی داریم؛ اما چون عنوان اثر تاریخی نداشته یا جایی ثبت نشده است، از چرخه حفاظت ارگانی خارج می‌شوند.

■ **معماری معاصر اصفهان زیر سایه ناشناختگی**

علی عطریان در این باره توضیح بیشتری داد و درباره معضلی به نام ناشناختگی روزمره اظهار کرد: در اصفهان آثار بسیار مهمی داریم مثل میدان نقش جهان و بناهای اطرافش و... این‌ها سایه بزرگی بر سر اصفهان دارند و به حق شناخته‌شده‌اند و در حافظه ذهنی همه مردم. این بناها متعلق به اصفهان‌اند. تجسد فرهنگ و هویت شهر اصفهان را در آثاری مثل مسجد جامع و امثالش می‌بینیم؛ باین حال، دچار ناشناختگی روزمره هستیم. آثاری که در اصفهان هستند، به خصوص آثار معاصر، به واسطه تحلیل نشدن و مذاقه نشدن، در سایه ناشناختگی قرار گرفته‌اند و نیاز است این پرده به کنار رود.

عطریان در ادامه به ویژگی‌های بناهای معاصر پرداخت و افزود: این آثار آ زیبایی‌ها و ویژگی‌های بسیار خاصی هم دارند؛ همچون جزئیات، فرم‌ها، تکنولوژی، همنشینی مصالح و استفاده از رنگ‌ها. پس اصفهان فقط میدان نقش جهان نیست؛ بلکه بافت‌های میانی هم امروز بسیار واجد ارزش‌اند. اما به دلایلی که گفته شد، در دوران معاصر از چرخه حفاظت و نگهداری خارج شده‌اند. به قول بزرگی، حفظ هرآنچه واجد ارزش است، ارزش است؛ چه مربوط به امروز باشد و چه متعلق به دیروز و با هر کاربردی.

او در پایان گفت: کتاب «راز نو» بهانه‌ای است تا در عرصه معماری معاصر با موضوع مسجد متنی تولید کنیم تا بتوانیم این آثار را برای آیندگان حفظ کنیم. هرکدام از ما نقشی در این خصوص داریم؛ ثبت عکس، تولید فیلم، نوشتن متن و کارهای رسانه‌ای درباره معماری معاصر، به این

امید که در آینده نزدیک، معماری معاصر هم مثل معماری گذشته ماندگار شود.

■ **حاکمیت با بحث معاصریت آشنا نیست**
وحید آقایی، معمار و پژوهشگر، که در کتاب «راز نو» یادداشتی درباره معماری مساجد مجموعه صنعتی پلار و مسجد النبی اصفهان نگاشته است، بیان کرد: روایت‌های معماری معاصر مبتنی بر تهران و مرکز باعث شده تا از توجه به خرده‌روایت‌هایی که در کانون‌های دیگر توسعه رقم خورده، غافل شویم. این غفلت منجر به از بین رفتن آثاری شده است که در حداقلی‌ترین حالت، شاهی بر دوره‌ای از زیست ما هستند. بناهایی که مرتبط با دوران معاصرند، بیشتر با زندگی روزمره ما درگیرند و چون مربوط به گذشته نزدیک‌اند، از ارزش‌های هنری و تاریخی و اجتماعی آن‌ها غافلیم.

آقایی ادامه داد: مسجد پلار، کار جهانگیر درویش، معمار اصفهانی است. این مسجد با اینکه اثر بسیار ارزشمندی به لحاظ اجتماعی فرهنگی و هنری است، در معرض تخریب است. حاکمیت ارکان دولت باید به ثبت این بناها کمک کنند؛ اما با بحث معاصریت آشنا نیستند.

■ **مکان خاطره‌ای که در غفلت روزگار فراموش شده است**

زینب تاج‌الدین که جستاری درباره مسجد انقلاب اصفهان نوشته است، درباره یادداشت توضیح داد: در این جستار مسجد انقلاب را در سه برهه زمانی بررسی کردم؛ قبل از انقلاب که زمان افتتاح آن است، بعد از انقلاب و روزهای دفاع مقدس و زمان حال.

او در خصوص تاریخچه این مسجد گفت: شاهزاده بیگم عیابی مال و اموال بسیاری داشته و تصمیم می‌گیرد بخشی از اموالش را به عتبات و عتبات‌نشین و کتابخانه وقف کند. داماد او سرهنگ زاهدی، رئیس اداره اوقاف زمان پهلوی بوده و به همین دلیل، او را وکیل خود برای اقدامات وقف تعیین می‌کند. شاهزاده بیگم سال ۱۳۲۷ و صیت می‌کند و مسجد سال ۱۳۵۶ ساخته می‌شود. این مسجد، بعد از افتتاح، با ایام دفاع مقدس مصافد می‌شود و به‌طور کامل، در اختیار فعالان فرهنگی قرار می‌گیرد و از آن روز، نامش از مسجد عیابی به مسجد انقلاب تغییر می‌یابد. بعد از پایان جنگ، مسجد انقلاب به کاربری اصلی‌اش بازمی‌گردد. این مسجد معماری و ساخت متفاوتی دارد و دقیقاً روبروی زاینده‌رود قرار گرفته موقعیت جغرافیایی بسیار خوبی دارد. مسجد انقلاب امروز باید رونق بسیاری داشته باشد؛ اما امروز در سکوت و انزوا به سر می‌برد و برخلاف نقطه جغرافیایی‌اش، به دلایلی که در کتاب به آن اشاره شده، دچار رخوت شده است. این مسجد یک مکان خاطره در دوران جنگ بوده؛ اما اتفاقات مربوط به آن زمان به دست فراموشی سپرده شده است.

■ **ماجرای تخریب آخرین اثر فرهنگی محله سیپان**
مهلا تمیزی، نویسنده جستاری با محوریت تخریب سردر مسجد سیپان، در این دوره‌می گفت: روزی هنگام عبور از کوچه سیپان، متوجه شدم شهرداری منطقه سردری را که علامه جلال‌الدین همایی درباره‌اش متنی نوشته‌اند، سردری بسیار کوچک و دوست‌داشتنی، شبانه تخریب کرده است. با پیگیری‌های متوجه شدیم که دلیل این تخریب، بازشدن مسیر کوچه برای تردد راحت‌تر مردم است. اگر الان به آن نقطه بروید، در حال ساخت سردر بتنی جدیدی هستند

و در واقع، نوسازی یا مرمت اشتباه گرفته شده است. اکنون، با عقب نشینی، آنجا فضای خوبی برای پارکینگ شده و این تخریب برای بازشدن راه مردم نبوده است. در عین حال، یک مغازه ناآوایی روبه‌روی این سردر قرار داشت که شهرداری می‌توانست آن را تخریب کند. در کشور اسلامی ما مساجد جزو آثار تاریخی مظلوم‌اند؛ چون صاحبی جز خدا ندارند. از آنجاکه نمی‌توانیم او را به دادگاهه بیاوریم تا از مساجد دفاع کند، هرکس هرکاری می‌خواهد انجام می‌دهد. سردر مسجد سیپان آخرین اثر فرهنگی این محله بود.

■ **میراث اصفهان قربانی بی‌تحرکی مدیران خسته و بی‌انگیزه**
در میانه این دوره‌می، استاندار اصفهان میهمان سرزده شد و در جمع فعالان حوزه میراث و فرهنگ و رسانه حضور یافت. سید مهدی جمالی‌نژاد اظهار کرد: در جلسه‌ای با انجمن‌های میراث فرهنگی استان، بر کم‌کاری در حوزه میراث تأکید کردم. به باور بنده، به خیلی از بناها که قابلیت مرمت و احیا و حفظ داشت، بی‌توجهی کردیم. زمانی شهردار یزد بوم و شاهد بوم‌م که یزدی‌ها در حفظ آثار تاریخی اهتمام عجیبی دارند؛ اما در اصفهان چنین نیست و ساختمان‌های تاریخی‌رها شده یا شبانه از بین رفته‌اند. یزد به دلیل اقدامات نکرده ثبت جهانی شد، نه اقدامات انجام‌شده.

در اصفهان در دوره‌های مختلف، شهرداری‌ها و افراد سودجود تخریب‌های زیادی انجام دادند. امروز نیز به بسیاری از بناهایی که نیاز به مرمت دارد، بی‌توجهی می‌شود. به‌تلخی اعتراف می‌کنم که این بناها را به‌سادگی می‌شود احیا کرد؛ اما متأسفانه مدیرانمان خسته و بی‌انگیزه و بی‌تحرک شده‌اند.

■ **مطالبه‌گری در حوزه میراث ضعیف است**
جمالی‌نژاد با اشاره به امکان تخصیص مالیات‌ها به حوزه میراث فرهنگی اظهار کرد: اخیراً در جلسه‌ای در تهران، با چانه‌زنی‌های بسیار ناآوارانه‌ای رامصوب کردیم تا مالیات افراد و نهادها برای کارهای خیر اختصاص یابد و چه کاری بهتر از مرمت و احیای بناهای تاریخی؟ قرار بود با ده همت این کار انجام شود؛ اما براساس گزارشی که امروز در اختیار استانداری قرار دادند، ۵۷میلیارد بیشتر در این حوزه اختصاص داده نشده. این کم‌کاری در مدیریت کل میراث و شهرداری و استانداری دیده می‌شود.

استاندار اصفهان با طرح این پرسش که چه‌کسی مطالبه‌گر است تا بودجه‌های مسئولیت اجتماعی در حوزه میراث هزینه شود، تأکید کرد: مطالبه‌گری در حوزه میراث کم است. در عین حال، گاهی مسیر مطالبه‌گری فعالان حوزه میراث سرمایه‌سوز می‌شود و به جای هم‌افزایی ایجاد گسل می‌کند. اگر میراث فرهنگی و شهرداری پای کار بیایند، ما نیز در این خصوص آمادهم تا بودجه‌های مسئولیت اجتماعی را در اختیار این نهادها قرار دهیم.



گزارشی داغ از یک قتل‌عام



«گزارش یک قتل‌عام» از سوی انتشارات راه‌یار منتشر شد. در این اثر با تکیه بر روش تاریخ شفاهی و از زبان شاهدان عینی، پرده از جزئیات یکی از دلخراش‌ترین رویدادهای تاریخ معاصر ایران برداشته می‌شود.

سیاست کشف حجاب از آن دسته سیاست‌های استبدادی تاریخ معاصر ایران بود که ریشه در استعمار داشت. استعمار از ابتدا در تمام شئون زندگی مردم دخالت می‌کرد و پس از ده‌ها سال مواجه مستقیم با مردم ایران، تصمیم گرفته بود خودش را در سایه قدرت و تبلیغات، الگویی برای توسعه جهان اسلام معرفی کند و بازوی اجرایی رسیدن به چنین الگویی را هم در ایران مستقر کرده بود؛ رضاخان. تحمیل سیاست‌های ضدفرهنگی رضاخان از جمله فرمان اجباری شدن لباس متحدالشکل، استفاده از کلاه پهلوی و شاپو و در نهایت قانون کشف حجاب، منجر به اعتراضات شدید مردمی و در نهایت وقوع فاجعه خونین کشتار مردم در مسجد گوهرشاد در سال ۱۳۱۴ شد.

کتاب «گزارش یک قتل‌عام» تلاش دارد تا این واقعه از زاویه‌ای نو و از زبان کسانی که خود در قلب حادثه حضور داشته‌اند، بازخوانی کند. این اثر شامل ۱۶ گفت‌وگو با شخصیت‌های مختلفی است که خود یا یکی از اعضای نزدیک خانواده‌شان، شاهد و ناظر عینی رویدادهای قبل، حین و بعد از واقعه گوهرشاد بوده‌اند.

یکی از ویژگی‌های برجسته این کتاب، تعهد به اصول روش‌شناختی تاریخ شفاهی و راستی‌آزمایی مستندات است. تدوین‌کنندگان اثر برای اطمینان از صحت نقل‌ها و جلوگیری از خطاهای احتمالی ناشی از کپولت سن یا فراموشی صاحب‌ه‌شوندگان، تمامی خاطرات را براساس منابع معتبر تاریخی بررسی و تطبیق داده‌اند؛ به طوری که موارد غلوآمیز یا اشتباهات اسامی، شناسایی شده و در پانویس کتاب تیبیق و مکتوب گردیده‌اند.

پژوهشگران این اثر همچنین با حفظ برخی هم‌پوشانی‌ها و تکرار روایات در گفت‌وگوهای مختلف، از قاعده «تواتر» در تاریخ شفاهی برای تحکیم سندیت فاجعه بهره برده‌اند. این کتاب گامی ارزشمند برای مکتوب و ماندگار کردن بخشی از تاریخ معاصر ایران است که تا پیش از این در سینه معمران و پیران این مرز و بوم نهفته بود. گفتنی است تحقیق این اثر توسط مهدی عشقی رضوانی، قربان ترخان، اسماعیل شرفی و رضا پاک‌سیما انجام شده است. خواندن این کتاب به هر ایرانی توصیه می‌شود؛ زیرا هم بخشی از تاریخ این کشور است و هم نشان‌دهنده غیرت زنان و مردان مسلمان ایرانی است که زیر فشارهای پُرمطراق آزادی و پیشرفت غربی با پوئین‌های شاه دست نناشده غربی له شدند.

پویشی برای زندگی اربعینی



پویش کتاب‌خوانی «کتاب و زندگی» در بیست و دومین دوره خود با محوریت کتاب «زندگی اربعینی: تمرین زیستن به سبک ظهور» اثر حجت‌الاسلام علیرضا پناهیان برگزار می‌شود. کتاب «زندگی اربعینی» با نگاهی فراتر از آیین پیاده‌روی اربعین، این رویداد عظیم را الگویی برای ساختن یک سبک زندگی معرفی می‌کند. نویسنده با تکیه بر معارف دینی، اربعین را تمرینی برای زیستن به سبک جامعه مهدوی می‌داند؛ جامعه‌ای که در آن محبت، ایثار، مسئولیت‌پذیری، همدلی و خدمت به دیگران، بر رفتارهای روزمره انسان تبدیل می‌شود.

حجت‌الاسلام علیرضا پناهیان در این اثر، تلاش کرده است با تبیین ابعاد مختلف فرهنگ اربعین، نشان دهد که این حرکت عظیم مردمی تنها یک اجتماع چندروزه نیست؛ بلکه می‌تواند الگویی برای اصلاح سبک زندگی فردی و اجتماعی و زمینه‌ساز تحقق ارزش‌های جامعه اسلامی باشد. کتاب با زبانی روان و نگاهی کاربردی، مخاطب را به تأمل در نسبت میان تجربه اربعین و زندگی روزمره دعوت می‌کند.

این پویش با هدف ترویج فرهنگ مطالعه، تعمیق شناخت نسبت به فرهنگ اربعین و گسترش سبک زندگی مبتنی بر ایثار، همدلی و مسئولیت‌پذیری برگزار می‌شود و فرصتی است برای بازخوانی پیام‌های اربعین و تأمل در نقش آن در ساختن جامعه‌ای پویا و امیدوار.

علاقه‌مندان برای شرکت در این پویش و تهیه کتاب «زندگی اربعینی» می‌توانند عدد ۲ را به سامانه ۳۰۰۰۹۳۲ پیامک کنند یا به کتاب‌فروشی‌های سراسر کشور مراجعه کنند. جوایز این دوره از پویش شامل کمک هزینه سفر به مشهد مقدس و کربلای معلی است.

به پیشواز فینال جام جهانی ۲۰۲۶: اسپانیا یا آرژانتین، مسی تعیین می‌کند



ورزشگاه متالایف نیویوک یک شنبه شب و از ساعت ۲۲:۳۰ میزبان دیدار آرژانتین و اسپانیا در مرحلهٔ نهایی جام جهانی ۲۰۲۶ خواهد بود تا پس از سوت پایان از قهرمان رونمایی شود. سایت فیفا در گزارشی دربارهٔ مرحلهٔ نهایی جام جهانی نوشت: در صد و چهارمین مسابقه جام جهانی ۲۰۲۶، اسپانیا، قهرمان اروپا مقابل آرژانتین، مدافع عنوان قهرمانی جهان و قهرمان آمریکای جنوبی در مرحلهٔ نهایی به مصاف هم می‌روند. اسپانیا پس از شکست دادن فرانسه، مدعی قهرمانی در نیمهٔ نهایی، به مرحلهٔ نهایی رسید. شاگردان لوئیس دلا فونتته از ابتدا آنها بازی را کنترل کردند و با مالکیت توپ طولانی و ضربات دقیق، خط حمله قدرتمند فرانسه را در نطفه خفه کردند. بازی نیمه‌نهایی برابر فرانسه‌ی ها، نقطه اوج کار اسپانیا تا اینجا بود. لاروخا ماجراجویی خود در جام جهانی را با صد نشینی در گروه A آغاز کرد، هرچند که همه چیز به راحتی پیش نرفت.

آنها در شروع کارشان در یک بازی غافلگیرکننده مقابل کیپ‌ورد به تساوی رسیدند. اما در ادامه مردان دلا فونتته با چهارگل عربستان سعودی شکست دادند و برابر اروگوئه به پیروزی یک بر صفر رسیدند تا نتیجه بازی اول را جبران کنند.

اسپانیا با پیروزی راحت ۳–۰ صفر مقابل اتریش از مرحله یک شانزدهم نهایی عبور کرد. در دو مرحله بعدی، آنها برای غلبه بر حریفان سرخ‌ستار اروپایی به گل‌های پیروزی بخش دیر هنگام میکل مرینو نیاز داشتند. اولین گل مرینو، در مرحله یک هشتم نهایی، مقابل پرتغال (۱–۰) به ثمر رسید. آنها این کار را با دومین پیروزی در دقایق پایانی مقابل بلژیک (۲–۱) در مسابقه‌ای که در آن تنها گل خورده خود در این تورنمنت را دریافت کردند، تکرار کردند.

فرم اسپانیا به طور پیوسته در حال بهبود بوده و در مقابل فرانسه نشان دادند که چاقبل از شروع مسابقات یکی از مدعیان محسوب می‌شوند.

یکشنبه ۱۹ جولای، اولین حضور اسپانیا در مرحلهٔ نهایی جام جهانی پس از کسب اولین قهرمانی‌شان در سال ۲۰۱۰ در آفریقای جنوبی خواهد بود.

در سوی دیگر آرژانتین راه سخت و هجان انگیزی، را برای رسیدن به دومین مرحلهٔ نهایی متوالی جام جهانی و هفتمین مرحلهٔ نهایی خود در مجموع طی کرده‌است. مدافع عنوان قهرمانی، کار خود را با سه پیروزی متوالی در مرحله گروهی با درخشش لیونل مسی آغاز کرد. مسی تا قبل از مرحلهٔ نهایی هشت گل در این دوره و ۲۱ گل در طول تمامی دوره‌های حضورش در جام جهانی به ثمر رسانده است.

آلی سلسته به لطف هت‌تریک مسی، الجزایر ۳–۰ صفر شکست داد. آنها را اتریش را نیز با دبل مسی ۲ بر صفر بردند. آرژانتین در سومین بازی در حالی ۳ بر یک اردن را شکست داد که مسی یک گل دیگر به ثمر رساند تا مرحله گروهی را بی نقص به پایان برساند.

در دور حذفی، راه آنها بسیار دشوارتر شد. کار آرژانتین در یک شانزدهم مقابل تیم سرخ‌ست کیپ‌ورد به وقت‌های اضافه کشیده شد، اما آنها ۲ بر ۲ پیروز شدند. در مرحله یک‌هشتم نهایی، همان نتیجه بازی یک شانزدهم اما به صورت دراماتیک‌تری ثبت شد. مصر تا دقیقه ۷۹ با نتیجه ۲–۰ صفر پیش بود، اما آرژانتین ورق را برگرداند و با یک بازگشت تاریخی، ۳–۲ پیروز شد.

در یک چهارم نهایی، دیدار آرژانتین با سوئیس به‌سختی پیش رفت و آلی سلسته برای شکست دادن حریفی که با نتیجه ۱–۰ دفره شده بود، به وقت اضافه نیاز داشت. جولیان آلواز در نهایت با یک گل باشکوه، مقاومت آنها را شکست ولاتووارو مارتینزل گل سوم را به ثمر رساند. این درام در نیمه‌نهایی مقابل انگلیس متوقف نشد. انگلیس به لطف گل آنتونی گوردون در اوایل نیمه دوم پیش افتاد و به نظر می‌رسید که قرام است بازی به پایان برسد. با این حال، آلی سلسته بار دیگر بازنیک تعویضی، به خود آمد و بار دیگر برنده شد. آرژانتین اکنون چهار سال پس از جام جهانی ۲۰۲۲ قطر، دوباره به مرحلهٔ نهایی رسیده و بار دیگر قرار است با یک حریف اروپایی بر سر جام بجنگند.

تنها رویارویی قبلی اسپانیا و آرژانتین در جام جهانی، در سال ۱۹۶۶ در ویلا پارک برگزار شد که بازی نخست گروهی برای دو تیم بود و آلی سلسته در مسابقه‌ای که همه گل‌ها در نیمه دوم به ثمر رسید، با نتیجه ۲ بر یک پیروز شد. بازنیک کلیدی آرژانتین، لوئیز آرتیمه، مهاجم نوک بود که هر دو گل را به ثمر رساند.

این ۲ تیم، در طول این سال‌ها ۱۳ بازی دوستانه مقابل یکدیگر انجام داده‌اند (شش برد برای اسپانیا، پنج برد برای آرژانتین، دو تساوی). آخرین بازی دوستانه آنها در سال ۲۰۱۸ در مادرید برگزار شد که اسپانیا با نتیجه ۶–۱ آرژانتین را در هم کوبید.

البته آرژانتین و اسپانیا به عنوان قهرمان قاره‌های خود، قرار بود در فوریه امسال در فینالیسمادا در قطر به مصاف هم بروند، اما آن مسابقه لغو شد.
■ ترکیب احتمالی اسپانیا:
سیمون، پورو، لاپورته، کوباسی، کوکورا، رودری، فابیان، لامین یامال، اولمو، بانئا و اوایزارا بایال
■ ترکیب احتمالی آرژانتین:
مارتینز، ناوئل، رومرو، لیساندرو مارتینز، تاگلیافیکو، پارادس، مک آلستر، انزو فرناندز، جولیانو سیمونه، مسی و جولیان آلواز/ **ایرنا**

زمانی که مسی پس از تجربه بدش در پاریس (۲۰۲۲) تا ۲۰۲۴) با اینترمیامی در لیگ فوتبال آمریکا قرارداد امضا کرد، بسیاری در سراسر جهان تصمیم اوارنیز سؤال بردند و آن را، به زعم خود، تمایلی برای بازنشسته شدن در لیگی سطح پایین‌تر تلقی کردند. چهار سال بعد و ۳۹ سالگی، آمار مطلق و نسبی از مسی‌ای حکایت دارند که در شرایطی ایده‌آل قرار دارد، از نظر بدنی آمار خوبی ثبت کرده (البته با ریتیم مخصوص خودش) و عملکردی ارائه داده‌است که افراد بسیار کمی آن را پیش‌بینی می‌کردند، چه به دلیل ناآگاهی ناشی از تماشانکردن مسابقات برگزار شده در لیگ فوتبال آمریکا و چه به دلایل دیگر. گذشته از آمار کلی، پس از دیدار مقابل انگلیس یک آمار

بیش از همه جلب توجه کرد: مسی در مرحله نیمه‌نهایی، رکورد خود یعنی ۹ دربیل موفق در یک مسابقه جام جهانی را تکرار کرد. او پیش از این مقابل ایسلند در سال ۲۰۱۸ (در ۴۰ سالگی) و مقابل آلمان در سال ۲۰۱۰ (در ۳۳ سالگی) به این رکورد دست یافته بود. یکی دیگر از آمارهای چشمگیر این بازیکن ۳۹ ساله این است که مسی در ۱۳ مسابقه متوالی برای باشگاهش با تیم ملی گل زده یا پاس گل داده است. این دومین روند طولانی دوران حرفه‌ای او پس از ثبت چنین آماری در ۱۴ مسابقه متوالی در سال ۲۰۱۱ است. درحالی که دو مسابقه باقی مانده است، لئو با هشت گل در صدر جدول گلزنان تورنمنت قرار دارد که آماری برابر با امپایه، اما با پاس گل‌های بیشتر است.

جام جهانی باورنکردنی مسی در ۳۹ سالگی!

ارلینگ هالند هفت گل به ثمر رساند و هری کین و جود بلینگام نیز هر کدام شش گل دارند. مسی همچنین به رکورد گلزنی ظاهر آدست نیافتنی ژوست فونتن فرانسوی نزدیک شد که در یک دوره جام جهانی ۱۲ گل به ثمر رساند. این دستاورد تنها در شش مسابقه‌ای رقم خورد که او در جام جهانی ۱۹۵۸ سوئد به میدان رفت. این رکورد تاریخی همچنان پابرجاست. در مجموع، لئو در شش دوره حضور خود در جام جهانی، ۳۳ مسابقه انجام داده است (بیش از هر بازیکن دیگری) و ۲۷ گل به ثمر رسانده است (بیش از هر بازیکن دیگری)، هرچند امپایه ۲۰ گل در ۲۲ مسابقه، تنها طی سه دوره جام جهانی و در ۲۷ سالگی، فاصله چندانی با و ندارد. **ورزش سه**



پشت پرده یک ماجرا در فوتبال اصفهان!

از بیرون استان برای باشگاه ذوب‌آهن تصمیم‌گیری می‌کنند

ذوب آهن به حکم مدیرعاملی ارتقا پیدا کرد، در مصاحبه‌ای مدعی شده انتخاب پورموسوی از لیست ۳۶ نفره‌ای از مربیان انجام شده است، اما گویا لیست مورد نظر باز هم جا برای گزینه‌های جدیدتر دارد.

طبق شایعه‌ای که این روزها در اصفهان دهان به دهان می‌شود و رسانه‌های رسمی هم به آن پرداخته‌اند، رسول خطیبی نزدیک به نیمکت تیم ذوب آهن است و بعید نیست در روزهای آینده نام او به عنوان سکان دار رسمی این تیم اعلام شود.
باشگاه ذوب آهن در دوره‌ای که زیرمجموعه تامین اجتماعی بود، از لحاظ مالی وضعیت متوسطی داشت و تیم فوتبال این باشگاه در زمره تیم های صفره جوی لیگ به حساب می‌آمد، ازاین رو زمانی که اعلام شد مالکیت باشگاه ذوب آهن به بانک دولتی رفاه واگذار شده، هواداران امیدوار بودند اوضاع مالی باشگاه بهتر از قبل شود، اما جدایی بازیکنانی چون پارسا جعفری، پدram قاضی پور، نادر محمدی و دانیال ایری از تیم اصفهانی و اینکه این تیم به طور جدی وارد عرصه نقل وانتقالات نشده، نشان می‌دهد اوضاع آن گونه هم که به نظر می‌رسد مطلوب نیست.

شنیده شده این وضعیت باعث دلخوری پورموسوی شده و تردیدهایی را برای ادامه فعالیت او ایجاد کرده است، ازسوی دیگر برخی نزدیکان دولت کبی‌هایی را برای حضور خطیبی شروع کرده‌اند و بعید نیست همین لحظه که در حال مطالعه روزنامه هستیید، این اتفاق رخ داده باشد!

خطیبی که در دوران بازی چند سالی در تیم سپاهان حضور داشت و سابقه فعالیت در فوتبال اصفهان را دارد، پس از پایان دوران بازیگری وارد عرصه مربیگری شد و در چند تیم لیگ برتری و دسته یکی سابقه مربیگری دارد، اما حمایت آشکار او در انتخابات از مسعود پزشکیان باعث شده تا دیدگاه از او به عنوان یک چهره فوتبالی به یک چهره سیاسی تبدیل شود.

خطیبی در دوره‌ای مدیرعاملی باشگاه سایپا را برعهده گرفت تا این ذهنیت ایجاد شود که با تکیه با روابط سیاسی، تصمیم گرفته از مربیگری روی نیمکت به مدیریت در باشگاه‌های دولتی تغییر مسیر دهد، اما دوران مدیریت او در این باشگاه زیاد به طول نینجامد و در ادامه سرمربیگری تیم مس رفتنجان را عهده دار شد که البته نتیجه‌ای نداشت و با کسب نتایج ضعیف کنار رفت.

باشگاه ذوب آهن طی سال‌های گذشته نیز در انتخاب سرمربی استقلال نظر کامل نداشته، تا جایی که انتخاب محمد ربیعی و قاسم حدادی‌فر هم با نظر مدیران بالادستی انجام شد، اما انتخاب احتمالی رسول خطیبی این بار فراتر از اعمال نظر مدیران بالادستی است و نمونه مستقیم دخالت سیاست در ورزش به شمار می‌آید.

از طرفی تحرک کم باشگاه ذوب آهن در فصل نقل‌وانتقالات که صدای اعتراض سرمربی فعلی را هم بلند کرده، این سوال را ایجاد کرده که چرا خطیبی از روابط سیاسی و حمایت دولتی برای نشستن روی نیمکت تیم متمول و مدعی تری استفاده نکرده و چرا از بین ۱۸ تیم لیگ برتری، نام ذوب آهن مطرح شده است که این موضوع به مراتب ابهام‌آمیزتر از تلاش برای نشان دادن او روی نیمکت تیم اصفهانی است و پشت پرده این ماجرا را پیچیده‌تر می‌کند.



همراه سایر افراد به پلیس منتقل شد و سپس بدون طرح هیچ اتهامی آزاد شد. رسانه هانیز تأکید می‌کنند که او هرگز متهم یا محکوم نشد و تنها به عنوان شاهد مورد پرسش قرار گرفت. پرونده سال ۲۰۲۰ همچنان یکی از شناخته شده‌ترین حواشی زندگی حرفه‌ای اسلاوکو وینیچیچ است. اما اسناد و گزارش‌های منتشرشده نشان می‌دهند که هیچ اتهام کیفری

ورزش ۷



صفحه‌ان زیبا

شماره ۵۴۱۵

۲۸ / ۰۴ / ۱۴۰۵

یکشنبه

ویراستار و دبیر صفحه / مهری مصور

اخبار روز

نامه جدید مس به فدراسیون: پلی‌آف را متوقف کنید!



درحالی‌که مسئولان باشگاه مس رفتنجان طی روزهای گذشته بارها مخالفت خود را با حضور در دیدار پلی‌آف اعلام کرده‌اند و حتی شکایت خود را نیز به دادگاه عالی ورزش (CAS) به ثبت رسانده‌اند، امروز نیز نامه اعتراضی جدیدی را خطاب به فدراسیون فوتبال ارسال کردند.

در این نامه که خطاب به رئیس فدراسیون فوتبال و با رونوشت به رئیس سازمان لیگ فوتبال ایران ارسال شده، باشگاه مس رفتنجان نسبت به نحوه اعلام برگزاری دیدار پلی‌آف میان این تیم و تیم سوم لیگ دسته اول اعتراض کرده است.

مسئولان این باشگاه معتقدند تصمیمی با چنین اهمیت و تأثیری بر وضعیت ورزشی و حقوقی باشگاه، باید به صورت رسمی و کتبی به آنها ابلاغ می‌شد و انتشار یک اطلاعیه در وب سایت سازمان لیگ، نمی‌تواند جایگزین ابلاغ قانونی و رسمی این تصمیم باشد.

مس رفتنجان همچنین در این نامه تأکید کرده که با پایان مسابقات و مشخص شدن چارچوب رقابت‌ها، اتخاذ و اجرای تصمیمات جدید نیازمند طی شدن روند‌های قانونی و ابلاغ رسمی به باشگاه‌هاست. از همین رو، مسئولان این باشگاه خواستار ارائه مستندات قانونی، متن مصوبه مربوط به برگزاری دیدار پلی‌آف و همچنین دلایل اتخاذ این تصمیم شده‌اند.

نارنجی پوشان رفتنجان در بخش دیگری از اعتراض خود اعلام کرده‌اند تاکنون هیچ‌گونه مصوبه، تصمیم یا ابلاغ رسمی درباره برگزاری این مسابقه به باشگاه ارسال نشده و صرف انتشار یک خبر در سایت سازمان لیگ، نمی‌تواند آثار حقوقی لازم را برای این باشگاه ایجاد کند.

باشگاه مس رفتنجان در پایان این نامه ضمن اعتراض رسمی به روند طی شده، خواستار آن شده است که تا زمان انجام ابلاغ قانونی و فراهم شدن امکان بررسی و اعمال حقوق قانونی باشگاه، از هرگونه اقدام اجرایی درباره برگزاری این مسابقه خودداری شود.

به این ترتیب، مس رفتنجان همچنان بر موضع رسانه‌های ترکیه مدعی شده‌اند مدیران باشگاه پافشاری می‌کند و به نظر می‌رسد پرونده اختلاف این باشگاه با مسئولان برگزاری مسابقات، همچنان در مسیرهای حقوقی و قانونی دنبال خواهد شد. **/// ورزش سه**

مقصد غیرمنتظره فرعون



بر اساس ادعای یانغیز سابونجواو غلو، خبرنگار ترک، بشیکناش نخستین پیشنهاد رسمی خود را به محمد صلاح ارائه کرده و ستاره مصری نیز برای پیشرفت مذاکرات، درخواست دستمزد سالانه ۱۵ میلیون یورویی خود را کاهش داده است.

رسانه‌های ترکیه مدعی شده‌اند مدیران باشگاه استانبولی مذاکرات خود را با ستاره مصری آغاز کرده‌اند و امیدوارند یکی از بزرگ‌ترین انتقال‌های تاریخ سوپرلیگ ترکیه را رقم بزنند.

گفته می‌شود مدیران بشیکناش با اتکا به جذب اسپانسرهای جدید و منابع مالی ویژه، در تلاش هستند شرایط لازم برای پرداخت دستمزد این فوق‌ستاره مصری را فراهم کنند.

محمد صلاح که پس از پایان قراردادش با لیورپول بازنیک با محسوب می‌شود، علاوه بر پیشنهاد بشیکناش، از چند باشگاه دیگر نیز پیشنهادهایی دریافت کرده است. بااین حال، در روزهای اخیر نام باشگاه ترکیه‌ای بیش از هر گزینه دیگری پیرامون آینده این ستاره مصری مطرح شده است. **ایسنا**



صاحب امتیاز شرکت فرهنگی هنری مطبوعاتی پیام اصفهان زیبا مدیرمسئول: دکترعلی قاسم‌زاده مدیرعامل: احسان تیموری سنجانی سردبیر: محمدحسین اعتزازیان

معاون بازرگانی: سید محمود وحید حکیم فعال معاون اداری و مالی: جواد علینقیان

هبت تحریر: فرشاد توسلی، فاطمه رجب‌زاده و مریم تقیان (فرهنگ و اندیشه) محسن حیدری فرد، احمد مهره‌کش زهره‌سادات کاشغری، زهره قننداری و سارا حفیظی (هم‌حلقه) داوود جعفری، یگانه ظاهری، مینا ایزدی و منیره‌سادات کاویانی (اقتصاد و سیاست) محمدحسین اعتزازیان و لیلاقمیس (روایت‌ست شهر و جامعه) سیدسعیدزکس نظام‌الدین (هنر و ادبیات)، زینب تاج‌الدین (پایبادی)، جواد جلوانی (تاریخ شفاهی) مهری منصور و مسعود افشاری (ورزش)

گرافیک: علیرضا مظاهری علی نصر آزادانی و سولماز رحبی سرور سراسر، علیرضا عبدالدینی عکس حمیدرضا نیکومورام

چندرسانه‌ای: سید میلاد میردامادی حسین کشکولیان و امید هاشم‌زاده

مجازی و شبکه‌های اجتماعی: مهدی سروری زهرا ترکولی، مانده رشوقی لیلیا کهلانی، فاطمه توکلی

فناوری اطلاعات: محمد کاظم کمالی

esfahanzibaonline.ir @ eitaa.com/esfzibanews @

اصفهان، خیابان فردوسی بن‌یست امام (شماره ۱۵)

تلفن: ۰۳۱-۳۲۲۲۵۵۱-۳ حرف مردم: ۰۵۰۰۴۰۰۲۵۲۴-۵۱۱ امور آگهی‌ها: ۰۳۲۲۲۵۲۵۸-۵۰۰

چاپ: موسسه جام‌چم برتر-برنا

بزرترین روزنامه استانی در ایران دارای امتیاز ۹۲٫۲ در رده‌بندی مطبوعات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ویژه‌نامه محلات شهر اصفهان

ویژه‌نامه شهر زندگی و مساله‌های آن

ویژه‌نامه پایبادی اصفهان

ویژه‌نامه تاریخ انقلاب اسلامی

ویژه‌نامه میراث وگردشگری اصفهان

رسانه اقتصادی اصفهان

انتقام؛ یک واژه و چند روایت

گفت‌وگویی درباره ابعاد سیاسی و اجتماعی خون‌خواهی شهیدان جنگ رمضان



و مسئولین حاکمیتی مختصات یکسان و روشنی از انتقام تعریف شده است؟ یا بعید نیست که به قول آن داستان معروف هر یک جزئی از فیل را ببینیم و بر این اساس روایت‌های مختلفی از مسئله داشته باشیم.

«ما از انتقام خون شهدای شما صرف‌نظر نخواهیم کرد»، این جمله، بخشی از اولین پیام رهبر انقلاب

آیت‌الله سید مجتبی خمینی در تاریخ ۲۶ اسفندماه ۱۴۰۴ است. همان‌طور که در آخرین پیامشان به مناسبت تشییع پیکر رهبر شهید و خانواده‌شان هم در تاریخ ۱۸ تیرماه ۱۴۰۵ بیان کردند: «عهد می‌بندیم که انتقام خون پاک شما و همه ی شهیدان این عهد، نصر، پژوهشگران علوم سیاسی و اجتماعی بر این اساس ریشه مطالبه «انتقام» و

«خونخواهی» به همان روزهای ابتدایی شهادت رهبر و فرماندهان و مردم بازمی‌گردد؛ اما اینکه چطور این امر به یک جریان عمومی در جامعه تبدیل شد و بر چه مبنایی استوار است، پرسش‌ما در این گزارش است. آقایان امیرحسین پرورش و مهدی نصر، پژوهشگران علوم سیاسی و اجتماعی در این باره سخن گفته‌اند.

انتقام، خون در برابر خون است

است این رفتار را نشانه ضعف تلقی کند و سطح اقدامات خود را افزایش دهد.

همان‌طور که برخی تحلیل‌ها معتقدند، بخشی از فشارهای واردشده علیه ایران در سال‌های اخیر، نتیجه تغییر برداشت دشمن از میزان هزینه اقداماتش بوده است. زمانی که یک طرف احساس کند اقداماتی مانند تحریم، فشار سیاسی یا عملیات‌های نظامی و امنیتی، پاسخ تعیین‌کننده‌ای ایجاد نمی‌کند، ممکن است محاسبات جدیدی برای خود شکل دهد. به همین دلیل، مردم انتقام را تلاشی برای اصلاح این محاسبات می‌دانند.

در همین راستا موضوع «خون در برابر خون» مطرح می‌شود؛ مفهومی که به معنای ضرورت پاسخ متناسب به یک اقدام جنایت‌بار است.

یعنی اینطور نیست که بگوییم اگر از پس فردا عوارض تنگه محقق شود، آمریکا‌ا منطقه بیرون برود، تحریم‌ها لغو شود و ... پس انتقام خون جنش‌ها بوده است. در بسیاری از موارد، پس از مرگ یا شهادت رهبران، جریان‌های انقلابی دچار سرگردمی شده و توان پیشین خود را از دست داده‌اند. در این شرایط، شور انقلابی نیز فروکش می‌کند و جامعه به سمت عادی‌سازی شرایط حرکت می‌کند. این مسئله درباره ر انقلاب‌های ضداستعماری و استقلال‌طلبانه اهمیت بیشتری دارد؛ چراکه یکی از مهم‌ترین اهداف چنین انقلاب‌هایی، حفظ استقلال و جلوگیری از بازگشت وابستگی است.

از این منظر، جامعه ایران طی دهه‌های اخیر، علی‌رغم تمام فشارهای اقتصادی و اجتماعی، به بصیرتی نسبت به مسئله استقلال رسیده است. مردم دربارفته‌اند که در جنگ وجودی با استعمار، عقب‌نشینی به معنای باز شدن دروازه‌های نفوذ مطلق و پایان امنیت است. بنابراین، وقتی مردم شعار انتقام می‌دهند، تنها یک واکنش عاطفی به شهادت عزیزانشان نیست؛ بلکه آن را یک راهبرد بقا می‌دانند.

وقتی یک کشور وارد یک «جنگ وجودی» می‌شود، منطق حاکم بر رفتارها نیز تغییر می‌کند. در چنین شرایطی، هر اقدام باید بتواند بخشی از یک رقابت گسترده‌تر برای تغییر توازن قدرت باشد. از این منظر، کسانی که بر ضرورت انتقام تأکید می‌کنند، معتقدند دشمن باید بداند اقداماتش بدون پاسخ باقی نمی‌ماند؛ زیرا نبود پاسخ مؤثر می‌تواند او را به سمت اقدامات بعدی سوق دهد.

تجربه‌سال‌های گذشته نیز در این چارچوب مورد توجه قرار می‌گیرد. زمانی که یک بازیگر منطقه‌ای یا فرمانطقه‌ای احساس کند اقداماتش با واکنش مؤثر مواجه نمی‌شود، ممکن است سطح اقدامات خود را افزایش دهد. به همین دلیل، بخشی از جامعه امروز این پرسش را مطرح می‌کند که چگونه معادلات قدرت به نقطه‌ای رسید که دشمن تصور کرد می‌تواند دست به اقدامات بی‌سابقه بزند.

نکته قابل توجه این است که مردم ایران به پیامدهای چنین نگاهی نیز واقف‌اند و می‌دانند که استقلال، امری صرفاً شعاری یا نمادین نیست، بلکه برای حفظ آن باید هزینه پرداخت کرد.

با این حساب، حتی اگر یک تصمیم در کوتاه‌مدت پیامدهای اقتصادی یا سیاسی داشته باشد، مسئله اصلی حفظ بنیان‌های بلندمدت یک کشور است.

مردم واقف‌اند که اگر یک کشور در برابر اقداماتی که امنیت و موجودیت آن را هدف گرفته است، واکنش متناسب نشان ندهد، طرف مقابل ممکن



مهدی نصر

بحث پیرامون «انتقام» در ساحت سیاسی، به مراتب فراتر از یک واکنش فردی، عاطفی یا حتی عقیدتی است. انتقام در ادبیات سیاسی و روابط بین‌الملل، گاه به معنای بازگرداندن معادله قدرت، ایجاد بازدارندگی و جلوگیری از تکرار یک اقدام خصمانه معنا می‌شود. از این منظر، مسئله انتقام را نمی‌توان صرفاً در چارچوب خشم عمومی یا احساسات پس از یک واقعه تحلیل کرد؛ بلکه باید آن را در نسبت با امنیت ملی، استقلال سیاسی و منطق رفتار دولت‌ها در عرصه بین‌الملل مورد بررسی قرار داد.

تجربه تاریخی جنبش‌های انقلابی نشان می‌دهد که فقدان رهبران و شخصیت‌های محوری، همواره یکی از نقاط حساس برای ادامه مسیر این جنبش‌ها بوده است. در بسیاری از موارد، پس از مرگ یا شهادت رهبران، جریان‌های انقلابی دچار سرگردمی شده و توان پیشین خود را از دست داده‌اند. در این شرایط، شور انقلابی نیز فروکش می‌کند و جامعه به سمت عادی‌سازی شرایط حرکت می‌کند. این مسئله درباره ر انقلاب‌های ضداستعماری و استقلال‌طلبانه اهمیت بیشتری دارد؛ چراکه یکی از مهم‌ترین اهداف چنین انقلاب‌هایی، حفظ استقلال و جلوگیری از بازگشت وابستگی است.

از این منظر، جامعه ایران طی دهه‌های اخیر، علی‌رغم تمام فشارهای اقتصادی و اجتماعی، به بصیرتی نسبت به مسئله استقلال رسیده است. مردم دربارفته‌اند که در جنگ وجودی با استعمار، عقب‌نشینی به معنای باز شدن دروازه‌های نفوذ مطلق و پایان امنیت است. بنابراین، وقتی مردم شعار انتقام می‌دهند، تنها یک واکنش عاطفی به شهادت عزیزانشان نیست؛ بلکه آن را یک راهبرد بقا می‌دانند.

وقتی یک کشور وارد یک «جنگ وجودی» می‌شود، منطق حاکم بر رفتارها نیز تغییر می‌کند. در چنین شرایطی، هر اقدام باید بتواند بخشی از یک رقابت گسترده‌تر برای تغییر توازن قدرت باشد. از این منظر، کسانی که بر ضرورت انتقام تأکید می‌کنند، معتقدند دشمن باید بداند اقداماتش بدون پاسخ باقی نمی‌ماند؛ زیرا نبود پاسخ مؤثر می‌تواند او را به سمت اقدامات بعدی سوق دهد.

تجربه‌سال‌های گذشته نیز در این چارچوب مورد توجه قرار می‌گیرد. زمانی که یک بازیگر منطقه‌ای یا فرمانطقه‌ای احساس کند اقداماتش با واکنش مؤثر مواجه نمی‌شود، ممکن است سطح اقدامات خود را افزایش دهد. به همین دلیل، بخشی از جامعه امروز این پرسش را مطرح می‌کند که چگونه معادلات قدرت به نقطه‌ای رسید که دشمن تصور کرد می‌تواند دست به اقدامات بی‌سابقه بزند.

نکته قابل توجه این است که مردم ایران به پیامدهای چنین نگاهی نیز واقف‌اند و می‌دانند که استقلال، امری صرفاً شعاری یا نمادین نیست، بلکه برای حفظ آن باید هزینه پرداخت کرد.

با این حساب، حتی اگر یک تصمیم در کوتاه‌مدت پیامدهای اقتصادی یا سیاسی داشته باشد، مسئله اصلی حفظ بنیان‌های بلندمدت یک کشور است.

مردم واقف‌اند که اگر یک کشور در برابر اقداماتی که امنیت و موجودیت آن را هدف گرفته است، واکنش متناسب نشان ندهد، طرف مقابل ممکن

نیز نباید انتقام را صرفاً به قصاص فروکاست. اگر کسی از اهداف بلندمدت و گسترده‌تر انتقام سخن می‌گوید، نباید چنین برداشت شود که مخالف قصاص است؛ بلکه او صرفاً آفق وسیع‌تری برای مفهوم انتقام ترسیم

می‌کند که قصاص نیز بخشی از آن است. در همین چارچوب باید میان «قصاص» و «تورور» نیز تفاوت قائل شد. ما از قصاص سخن می‌گوییم، نه از تورور. اگر در این زمینه بدون ملاحظه و بی‌محایا سخن گفته شود، ممکن است مداخله ی سرویس‌های اطلاعاتی خارجی یا عناصر مخالف نظام همان هزینه‌هایی به کشور تحمیل شود که در دهه هفتاد و در ماجرای قتل‌های ترنجیره‌ای یا موارد مشابه شاهد آن بودیم. از سوی دیگر، در ساحت اجتماعی نیز ممکن است هر مخالفی به‌عنوان عامل جنایت معرفی شود؛ صرفاً به این دلیل که تویییتی نامناسب منتشر کرده است و گفته شود «دستش به خون رهبر آلوده است» و باید تورور شود. اگر چنین منطقی پذیرفته شود، نتیجه آن تولید خشونی افسارگسیخته خواهد بود؛ خشونتی که بعدها دیگران نیز می‌توانند بر آن سوار شوند.

با وجود این ابهام‌های مفهومی، به نظر می‌رسد نباید گفتمان انتقام را به حاشیه برد یا اجازه داد به تدریج فروکش کند. ممکن است عده‌ای به این گفتمان دامن بزنند و ممکن است عده‌ای نیز به‌گونه‌ای رفتار کنند که پس از مدتی این موضوع از فضای عمومی حذف شود. اما وظیفه ما این است که گفتمان انتقام را زنده نگه داریم و در عین حال حدود و ثغور آن را نیز ترسیم کنیم. زیرا اگر این گفتمان از کف خیابان حذف شود، احتمال دارد از صحنه سیاست نیز حذف شود. نمونه‌روشن این مسئله، موضوع انرژی هسته‌ای است. همه به یاد داریم که در کنار شعار «مرگ بر آمریکا»، طی چند سال شعار «انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست» به یکی از فراگیرترین شعارهای مردم تبدیل شده بود.

این شعار آن چنان در فرهنگ عمومی نفوذ کرده بود که حتی وارد طنزها و شوخی‌های فضای مجازی نیز شده بود. همین مطالبه عمومی باعث شد موضوع انرژی هسته‌ای، پیشرفت‌های آن، صفحات سوخت، کیک زرز و سایر مفاهیم مرتبط، به بخشی از غرور ملی تبدیل شود. اما هنگامی که این شعار به تدریج از کف خیابان حذف شد. که البته دلایل مختلفی نیز داشت، از جمله کاهش محبوبیت دولت وقت - آن مطالبه نیز به مرور کمرنگ شد و حتی در مقطعی به ضد ارزش تبدیل شد. از این رو، این شعارها باید حفظ شوند، اما با دو ملاحظه اساسی: نخست آنکه نباید مفهوم انتقام به قصاص تقلیل پیدا کند، زیرا اگر قصاص محقق نشود، جامعه دچار سرخوردگی خواهد شد. دوم آنکه نباید اجازه داد این گفتمان

به سمت خشونت‌های افسارگسیخته و ترورهای کور سوق پیدا کند؛ مسیری که می‌تواند مشروعیت نظام را زیر سؤال ببرد.

در نهایت، تبیین این گفتمان بیش از هر چیز بر عهده نخبگان اجتماعی است. این نخبگان هستند که باید درباره انتقام سخن بگویند و ادبیات آن را برای جامعه تولید کنند. مردم در خلأ تصمیم نمی‌گیرند؛ آنچه در گروه‌های مجازی، موب‌ها، رسانه‌ها و سخنرانی‌ها به آنان منتقل می‌شود، بعدها در قالب شعارها و مطالبات عمومی بازتولید خواهد شد. در چنین شرایطی، حاکمیت نیز نسبت به این مطالبه واکنش نشان می‌دهد. اساساً همه مفاهیم اجتماعی در رفت‌وبرگشتی دائمی میان آرزو و بدنه جامعه شکل می‌گیرند و استمرار پیدا می‌کنند. در کنار این، اگر نخبگان در این میدان حضور نداشته باشند، فضای هیجانی و شبکه‌های اجتماعی کنترل گفتمان را به دست خواهند گرفت و ممکن است مسیر این مطالبه به بیراهه کشیده شود.



دبیر صفحه فرهنگ عمومی

«انتقام» واژه‌ای است که دست‌کم در یکی دو هفته اخیر زیاد شنیده‌ایم. آن قدر زیاد که حتی گاهی به بحث و درگیری میان گروه‌ها هم منجر شده و در نهایت باعث جذب یا طرد چهره‌ها از جریان‌های مختلف شده است.

اما راستی چه شد که انتقام پررنگ شد؟ در پی شهادت رهبر انقلاب و خانواده‌شان؟ یا فرماندهان و دانشمندان و مردم؟ اگر این‌طور است که دست‌کم الان ۴ ماه از شهادت این عزیزان می‌گذرد؟ یا اصلاً این‌طور بیرسیم که انتقام خواهی آن موضوعی بود که به یک باره ایجاد شد یا مبتنی بر طی یک فرآیند بود؟ در صورت تأیید یاد این پرسش، سؤال بعد این است که از کجا دفعتاً یا تدریجی به میان جامعه آمد؟ امری بود که سردمداران جامعه مطرح کردند؟ اثرگذاران اجتماعی یا به‌طور کاملاً مردمی از بدنه جامعه جریان پیدا کرد؟ اصلاً این انتقام که به هر شکلی الان شاهد گفتمان‌ش هستیم، چیست؟ منظورمان «کشتن» قاتلان شهیدانمان است؟ و در وهله بعدی این کشتن ناظر به یک شخص است یا یک جریان که عامل بوده‌اند؟ یا فرض تحقق این امر که اشخاص و جریان‌های مذکور کشته شوند، آیا آن انتقام مدنظر محقق شده است؟ یعنی مشخصاً در آذهان مردم، اثرگذاران اجتماعی



امیرحسین پرورش

در هفته‌های اخیر، «انتقام» به یکی از پرکاربردترین واژه‌های فضای سیاسی و اجتماعی کشور تبدیل شده است. از شعارهای خیابانی تا مباحث رسمی، این مفهوم حضوری پررنگ پیدا کرده است. با این حال، به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین مسائل، روشن‌نبودن معنای دقیق این واژه است؛ مسئله‌ای که اگر درباره‌آن گفت‌وگو نشود، می‌تواند زمینه‌ساز سوء برداشت‌های سیاسی و اجتماعی باشد.

بنا بر برداشت نگارنده، از همان نخستین پیام رهبر انقلاب، درون مایه اصلی سخنان ایشان «انتقام» بود. ایشان به‌صراحت اعلام کردند که انتقام خون رهبر شهید و تک‌تک خون‌های ریخته‌شده گرفته خواهد شد. این روند در پیام‌های بعدی نیز ادامه یافت. از جمله در پیام مربوط به شهادت آقای خلیف که اهمیت ویژه‌ای دارد. ایشان در آن پیام تأکید کردند که وظیفه دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی این است که امنیت راز دشمنان، چه در داخل و چه در خارج، سلب کند و آن را برای ملت به ارمان بیاورند. به بیان دیگر، صرفاً مطالبه انتقام مطرح نشد، بلکه راهبرد تحقق آن نیز تبیین شد؛ راهبردی که احتمالاً به تغییراتی در عملکرد دستگاه‌های امنیتی، به‌ویژه در حوزه عملیات‌های برون مرزی، منجر خواهد شد. بنابراین، بخشی از فضای عمومی جامعه و مطالبات آن نیز سرریز همین ادبیات است. اولویت‌هایی که رهبر انقلاب تعیین می‌کنند، به تدریج به مطالبه عمومی تبدیل می‌شود؛ همان‌گونه که در موضوع شروط تفاهم و برخی مسائل دیگر نیز شاهد آن بوده‌ایم.

اما آنچه بیش از هر چیز نیازمند تبیین است، تفاوت میان «قصاص» و «انتقام» است. اگر این مسئله روشن شود، بخش قابل توجهی از مناقشات سیاسی و رسانه‌ای نیز پایان خواهد یافت. برای فهم این تفاوت، می‌توان به واقعه عاشورا بازگشت. پس از شهادت امام حسین(ع) و یارانشان، بسیاری از عاملان مستقیم حادثه کربلا مانند شمر، حرملة و دیگران کشته شدند و قصاص صورت گرفت، اما آیا انتقام نیز محقق شد؟ پاسخ منفی است. زیرا انتقام، دست‌کم در معنای حداقلی و کوتاه‌مدت آن، برپیده شدن حکومت بنی‌امیه و تحقق اهداف سیاسی و تاریخی نهضت عاشورا و استقرار حکومت امام سجاد(ع) و امام باقر(ع) بود. بنابراین، قصاص انجام شد، اما انتقام هنوز تحقق نیافته بود.

بر همین اساس، یکی از مهم‌ترین مباحثی که اخیراً نیز آیت‌الله میرباقری بر آن تأکید کرده‌اند، تفاوت میان قصاص و انتقام است. قصاص، پروژه‌ای مشخص، محدود و دارای اهداف معین است؛ یعنی افرادی که در یک جنایت نقش داشته‌اند باید مجازات شوند. اما انتقام، فرآیندی بلندمدت با اهدافی گسترده‌تر است. امروز نیز بسیاری از اختلاف‌نظرها ناشی از همین خلط مفهومی است. برای نمونه، وقتی آقای قالیباف می‌گوید «انتقام خون رهبر شهید، آزادی قدس است»، عده‌ای چنین برداشت می‌کنند که منظور از انتقام، دیگر مجازات عاملان جنایت نیست. یا رهبر انقلاب در موضوع شهادت حاج قاسم سلیمانی فرمودند انتقام خون ایشان، اخراج آمریکا از منطقه است. این همان مفهوم گسترده انتقام است؛ مفهومی که در آثار دکتر شریعتی نیز ذیل بحث «ثار» مورد توجه قرار گرفته است. در این نگاه، قصاص یکی از مصادیق انتقام است، نه تمام آن. از همین رو، معتقدم حتی اگر قصاص محقق شود، الزاماً انتقام محقق نشده است. در مقابل

جوهر قلم و مسئولیت‌ما



در بسیاری از خانواده‌های ایرانی، درس خواندن فقط راهی برای پیشرفت فردی نبوده است. از کودکی بارها این جمله را شنیده‌ایم که باید تلاش کرد تا «فرد مفیدی برای کشور» بود. این نگاه، سفارش به موفقیت شخصی نیست؛ بلکه نوعی تربیت فکری است که میان سرنوشت فرد و آینده سرزمینش نسبتی برقرار می‌کند.

من هم در چنین فضایی بزرگ شدم. همیشه این تصور با من بود که آموختن و کوشش کردن، فقط برای ساختن زندگی شخصی نیست، بلکه می‌تواند سهمی در ساختن آینده جمعی ما داشته باشد. با این حال، برخی لحظه‌ها و برخی جمله‌ها هستند که این معنار را یک توصیه‌اشنا به یک مسئله جدی و ماندگار تبدیل می‌کنند.

بعد از شهادت قاسم سلیمانی، مدت‌ها ذهنم درگیر این پرسش بود که آیا این رخداد فقط باید در سطح اندوه و تأثر باقی بماند یا نسبتی هم با مسئولیت فردی من پیدا می‌کند. آن ایام برای من، که دانشجوی مقطع ارشد دانشگاه امیرکبیر بودم، روزهایی خاص و سنگین بود. احساس می‌کردم با واقعه‌ای رویه‌رو شده‌ام که نمی‌شود به‌سادگی از کنار آن گذشت، اما هنوز نمی‌دانستم این تأثر باید به چه چیزی تبدیل شود.

در همان دوره، در یک متن خوانی که با یکی از استادان حوزه هنری داشتم، آن استاد جمله‌ای به من گفت که از آن روز تا امروز در ذهنم مانده است: «خون قاسم سلیمانی را جوهر قلم کن.»

این جمله برای من فقط یک تعبیر احساسی نبود. بیشتر از آن، دعوتی بود به این‌که واقعه را به سطح اندیشه و عمل بیاوریم؛ این‌که اندوه، اگر قرار است معنا پیدا کند، باید به مسئولیت تبدیل شود. سال‌ها به این جمله فکر کرده‌ام و هر بار معنای تازه‌ای از آن فهمیده‌ام. امروز، پس از همه آن اتفاقات و از سر گذاردن دو جنگی که به شهادت سیدعلی خامنه‌ای و جمعی از سرداران سپاه و ارتش انجامید، بیش از هر زمان دیگری برای من روشن است که این عبارت، در اصل دعوت به جدی گرفتن جایگاه خودمان در نسبت با آینده ایران است. یعنی به جای آن‌که در برابر رخدادهای بزرگ صرفاً متأثر بمانیم، از خود بپرسیم: سهم من در ساختن آینده چیست؟ من باید چه چیزی بیاورم، چه توانایی‌ای در خود پرورش دهم و چگونه می‌توانم مفید باشم؟

در تجربه‌های دشوار تاریخی، یک خطر همواره وجود دارد: این‌که انسان‌ها احساس کنند آینده از دسترس آنان بیرون است و نقش‌شان به نمائشگری تقلیل یافته است. اما درست در همین‌جا است که مسئولیت معنا پیدا می‌کند. اگر هر یک از ما تنها به زندگی و منفعت شخصی خود بپردازیم، آینده جمعی ضعیف‌تر می‌شود. اما اگر بپذیریم که ساختن آینده به آدم‌های آماده، باسواد، مسئول و پرتلاش نیاز دارد، آن‌گاه تحصیل، کار، پژوهش، نوشتن و پرورش توانایی‌های فردی معنایی فراتر از موفقیت شخصی پیدا می‌کند.

از این منظر، درس خواندن فقط گرفتن مدرک نیست؛ نوعی آماده شدن است. کار کردن فقط گذران زندگی نیست؛ نوعی برعهده گرفتن سهمی از بار آینده است. نوشتن فقط بیان احساسات نیست؛ می‌تواند تلاشی برای روشن‌تر کردن افق پیش‌رو باشد. جامعه‌ای که می‌خواهد از دشواری‌ها عبور کند، به انسان‌هایی نیاز دارد که بتوانند جای خالی‌ها را با جدیت، شایستگی و احساس مسئولیت پر کنند.

من فکر می‌کنم یکی از مهم‌ترین نسبت‌هایی که باید درباره کشف شود، نسبت میان «دوست داشتن ایران» و «مسئول بودن در قبال آینده آن» است. «دوست داشتن ایران، اگر فقط در سطح احساس باقی بماند، توان دگرگون کردن چیزی را ندارد. این دوست داشتن زمانی معنا پیدا می‌کند که به تصمیم، اراده و عمل تبدیل شود؛ به این تصمیم که انسان خود را برای مفید بودن آماده کند و سهمی هرچند کوچک در ساختن آینده بهتر داشته باشد.

شاید معنای عملی آن جمله نیز همین باشد: خون را جوهر قلم کرد، یعنی فقدان را به انفعال نسپردن؛ یعنی رنج را به اراده بدل کردن؛ یعنی به جای متوقف شدن در سوگ، از آن نیرویی برای جدی‌تر شدن در مسیر علم، کار، تربیت، نوشتن و اثرگذاری ساختن. اگر بپذیریم که آینده ایران تنها با آرزو ساخته نمی‌شود، آن‌گاه باید به همان توصیه قدیمی با نگاهی تازه برگردیم: فرد مفیدی برای کشور باش. این مفید بودن، شعاری مبهم نیست؛ از کلاس درس آغاز می‌شود، در جدیت علمی ادامه پیدا می‌کند، در تخصص و مسئولیت‌پذیری شکل می‌گیرد و در نهایت به مشارکت در ساختن آینده می‌رسد.

شاید مهم‌ترین وظیفه ما در روزگار دشوار کنونی و پس از شهادت سیدعلی خامنه‌ای همین باشد: این‌که نسبت خود را با ایران آینده آن روشن کنیم؛ این فقط با احساس، بلکه با تصمیمی عملی برای آموختن، ساختن و به عهده گرفتن مسئولیت. تنها در این صورت است که می‌توان از دل فقدان، به آینده‌ای اندیشید که هنوز امکان ساخته شدن دارد.